



کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۲۲

۲۲ فروردین ۱۴۰۱

۱۱ آپریل ۲۰۲۲



چهارشنبه ها منتشر میشود

در پاسخ به یک سوال برای تدارک برگزاری یک اول مه باسکوه در ایران

حمید تقوایی
حسن صالحی

صفحه ۳

صفحه ۲

شهلا دانشفر، صفحه ۴

جلیل جلیلی نودینیان، صفحه ۵

نسان نودینیان، صفحه ۷

یاشار سهندی، صفحه ۹

بهروز برزو، صفحه ۱۱

باکازاری سراسری به حیات از معلمان بر خیریم

اولین اول ماه مه بعد از قیام ۵۷ در تبریز

۴ آپریل روز جهانی علیه حوادث ناشی از کار

دغل بازی؛ از مزد توافقی تا ویرکول اضافی!

اقلیت پر شمار

تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات در چندین شهر و دو خبر دیگر

صفحه ۱۳

۱۵ فروردین: تجمع اعتراضی کشاورزان شرق و غرب اصفهان

صفحه ۱۳

اعتصاب رانندگان کامیون در چند شهر

صفحه ۱۳

حیات های بین المللی از مبارزات و خواستهای معلمان

کمپین برای آزادی کارگران زندانی صفحه ۱۴

بیانیه حزب کمونیست کارگری
در مورد خشونت سیستماتیک
جنسی علیه زنان در جمهوری
اسلامی
صفحه ۸

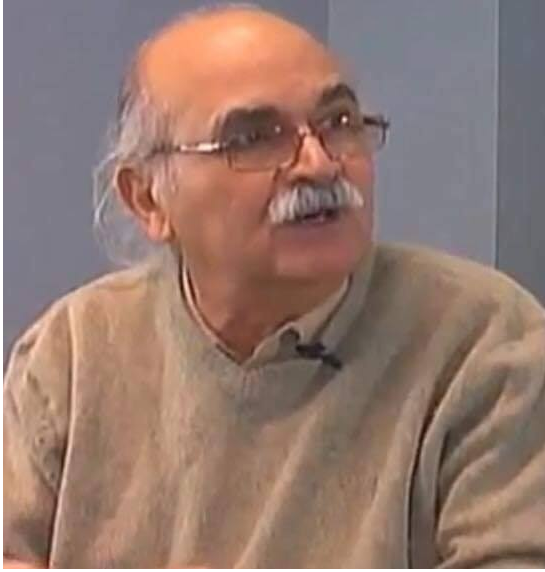
آغاز تجمعات بازنشستگان در
سال جدید
تجمعات بازنشستگان تامین
اجتماعی در چندین شهر
صفحه ۱۲

اغتصاب کارگران شهرداری
بهبهان و تجمع کارگران کشت
و صنعت لرستان
صفحه ۱۰

از خوزستان چه خبر؟
کمیته سازمانده، واحد
خوزستان، صفحه ۱۰

دومین تجمع اعتراضی
کارگران در پتروشیمی ایلام
صفحه ۱۴

از مدیای اجتماعی
صفحات ۱۶-۱۵



دردارک اول مه، روز جهانی کارگر

پاسخ حمید تقوایی به یک سوال

کارگر کمونیست: جنبش کارگری در سال گذشته کولاک کرد. جامعه پر از التهاب و مبارزه است و در این شرایط روز جهانی کارگر را در پیش داریم. به نظر شما حلقه محوری در این اعتراضات برای اینکه گامی به جلو برداریم چیست و بازتاب آن در روز جهانی کارگر به چه شکل میتواند باشد.

حمید تقوایی: به نظر من حلقه محوری اول مه امسال عملی کردن شعار کارگران جهان متحد شوید در جامعه ایران است. البته هر ساله یک رکن بزرگداشت اول مه اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران بوده است اما امسال بخاطر ویژگیها و پیشرویهها و دستاوردهای جنبش کارگری این اتحاد و همبستگی میتواند ابعاد گسترده ای به خود بگیرد و جنبشهای حق طبقه جاری و فعالین و چهره های این جنبشها را نیز در کنار طبقه کارگر قرار بدهد. به نظر من حلقه اصلی در سازماندهی اول مه امسال گذار از مبارزات سراسری به مبارزات عمومی است.

جنبش کارگری از سال ۹۸ تا امروز، بویژه در سال گذشته، از دو جنبه گامهای بلندی به جلو برداشته است: جنبه اول سراسری شدن مبارزات که مبارزه کارگران نفت و مبارزات پیگیر معلمان دو بروز برجسته آن است و دوم متشکل و سازمانیافتگی این مبارزات که نمونه های برجسته آن شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت و شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران است. این نهادها در رادیکال شدن مبارزات کارگری و سراسری شدن آنها نقش تعیین کننده ای ایفا کرده اند. اکنون شرایط برای فراتر رفتن از مبارزات سراسری به مبارزه متحدانه عمومی یعنی همبستگی و همراهی عملی و خیابانی جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی جاری بیش از هر زمان دیگر فراهم است. اول مه امسال

میتواند نقطه آغاز این تحول باشد. جامعه در چند سال اخیر خیزشهای توده ای کوبنده ای را تجربه کرده است: از خیزش ۹۶ و ۹۸ تا خیزش توده ای در اصفهان و خوزستان در سال گذشته. اعتراضات و اعتصابات کارگری نیز بطور پیوسته و بلاوقفه ادامه داشته است و بخصوص هفت تپه با خلع ید از کارفرما و شعار اداره شورائی و کارگران نفت با مبارزات و اعتصابات متشکل و سراسری خود در واقع پرچم اعتراضات توده مردم که ۹۶ و ۹۸ و خیزشهای اصفهان و خوزستان نقطه اوجهای آن در سالهای اخیر بود را برافراشته نگاه داشته اند. در

و بیانیه ها و قطعنامه ها و تجمعات و تظاهرات میدانی خود همبسته و دست در دست یکدیگر روز جهانی کارگر را عملاً به معنی واقعی کلمه بزرگ بدارند. آنچه میتواند حکومت اسلامی مفتخوران سرمایه دار را کاملاً فلج کند و

کیفرخواست علیه جانین حاکم و به محاکمه کشیدن آنان از جانب مادران آبان و مادران خاوران و خانواده های قربانیان شلیک به هواپیما، موج گسترده اعتراض به اعدام در مقابله میلیونی مردم با اعدام نوید افکاری، اوجگیری مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی بدنال قتل بکتاش آبتین در زندان، تعرض ضد مذهبی وسیع جامعه بویژه زنان و دختران جوان، و امروز دور دیگری از برآمد جنبش آزادی زن علیه آپارتاید جنسی در ورزشگاهها و علیه اذیت و آزار جنسی زنان سینماگر، اینها همه نمونه هایی از یک جامعه فعال و پیاخته علیه حکومت اسلامی سرمایه داران مفتخور است. بهم پیوستن این رودهای اعتراضی میتواند به سیل بنیان کنی شکل بدهد که طومار حکومت اسلامی سرمایه را در هم بیچند. اول ماه مه امسال میتواند و باید روز متحد شدن همه جنبشهای حق طلبانه جاری بزیر پرچم نه و نقد کارگری باشد: پرچم "نه به فلاکت عمومی و حقوقهای نجومی"، پرچم "معیشت، منزلت حق مسلم ما است" و پرچم "سوسیالیسم پیا خیز برای رفع تبعیض". ۸ آوریل ۲۲

به نظر من حلقه محوری اول مه امسال عملی کردن شعار کارگران جهان متحد شوید در جامعه ایران است. البته هر ساله یک رکن بزرگداشت اول مه اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران بوده است اما امسال بخاطر ویژگیها و پیشرویهها و دستاوردهای جنبش کارگری این اتحاد و همبستگی میتواند ابعاد گسترده ای به خود بگیرد و جنبشهای حق طبقه جاری و فعالین و چهره های این جنبشها را نیز در کنار طبقه کارگر قرار بدهد. به نظر من حلقه اصلی در سازماندهی اول مه امسال گذار از مبارزات سراسری به مبارزات عمومی است.

بزیر بکشد تجمعات و اعتصابات و مبارزات میدانی سراسری و عمومی است. اعتصابات سراسری پیگیر و رادیکال، نظیر اعتصابات نیشکر هفت تپه و کارگران نفت، اعتصاب و تجمعات معلمان در بیش از ۳۰۰ شهر و روستا، یکشنبه های اعتراض بازنشستگان، تحصن نوع "التحریر" کشاورزان و توده مردم اصفهان،

کنار مبارزات و اعتصابات کارگری جنبشهای اعتراضی جاری نظیر جنبش دادخواهی، جنبش معلمان، جنبش بازنشستگان، جنبش آزادی زن، جنبش علیه اعدام و جنبش آزادی زندانیان سیاسی نیز فعالانه ب میدان آمده اند. اول مه امسال فعالین همه این جنبشها میتوانند در کنار یکدیگر قرار بگیرند و با فراخوانها

به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

شماره تلفن:

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

تلگرام: @sazmande

دوره تعطیلی و سرکزاری اول ماه مه روز جهانی کارگر



کرده اند آنوقت چه حال و احوالی به همه دست می دهد؟ حتما همه ما خوشحال می شویم و چشمانمان از وجد و شادمانی و نمایش قدرت کارگران برق خواهد زد. برای برپایی مراسم مستقل اول ماه مه شاید مناسب باشد از محلات کارگر نشین و با شهرک های کارگر نشین آغاز کرد که مرکز اعتراضات آبان ۹۸ نیز بودند. کارگران نقطه معینی را برای تجمع در نظر بگیرند و به همه اهالی نیز خبر بدهند. اگر این کار در محلات و شهرک های کارگر نشین زیادی اتفاق بیفتد حکومت قدرت مانور کمتری برای مقابله با این تجمعات و مراسم خواهد داشت. مهم این است که همه را صدا بزنیم و مراسمی برگزار کنیم که واقعا شایسته اول ماه مه و روز جهانی اتحاد کارگران باشد. خلاصه کنیم، تعطیلی و توقف کار در روز جهانی کارگر باید با حاضر نشدن در محیط کار و برپایی مراسم و تجمعات در محلات و شهرک های کارگر نشین همراه باشد. این مراسم باید مرکز تجمع شمار زیادی از اهالی باشند بطوریکه نیروهای سرکوبگر از ترس جمعیت هیچ غلطی نتوانند بکنند. این مراسم با سخنرانی های پرشور، با صدور پیام های همبستگی و قرائت قطعنامه و طرح خواسته های کارگران و با نمایش قدرت اتحاد ما باید نوید دهنده ساختن جامعه ای دیگر بدور از هرگونه بی حقوقی، فقر و ستم و استثمار باشد*.

مراسم فرمایشی را ناکام بگذاریم و هم ضمن تحریم مراسم دولتی بدنبال برپایی مراسم مستقل خود باشیم. بنابراین برپایی

تعطیلی اول ماه مه در فضای امروز ایران به این معناست که ما این روز را به روز اعتراض عمومی و پر قدرت علیه جمهوری اسلامی تبدیل کنیم. این روز باید نادیک اغصاب عمومی و سراسری علیه رژیم باشد که در خدمت به منافع سرمایه داران زندگی و معیشت میلیون ها انسان را مورد تعرض قرار داده است.

تجمعات و گردهمایی های کارگری نیز بخش مهمی از مراسم ویژه اول ماه مه است. اگر دشمنان طبقه کارگر مانع نمی شدند ما هر ساله در همه شهرهای ایران مراسم روز جهانی کارگر را به کاملترین شکل برگزار می کردیم. حالا هم تا آنجا که می توانیم باید سنگ تمام بگذاریم. طبعاً برگزاری مراسم خانوادگی اول ماه مه خوب است ولی ما باید بسیار فراتر از این برویم. ما باید کاری کنیم که همه جامعه متوجه شود که روز کارگر فرا رسیده است. تصورش را بکنید که در شهرهای بزرگی مثل اصفهان، تبریز و مشهد و تهران خبر برسد که کارگران در روز اول ماه مه اجتماعات بزرگی تشکیل داده اند و در این اجتماعات از لزوم همبستگی طبقاتی و مبارزه متحدانه برای رسیدن به خواسته های خود صحبت

اگر کارگران اراده کنند چرخ های تولید متوقف خواهد شد و جامعه از حرکت باز خواهد ایستاد. در این روز چرخهای تولید سرمایه داری در سراسر جهان از حرکت باز می ایستد، بردگان مزدی سرمایه از تولید دست می کشند تا پرچم همبستگی و اتحاد برای رهایی از ستم و استثمار را در دستشان به اهتزاز در آورند.

تعطیلی اول ماه مه در فضای امروز ایران به این معناست که ما این روز را به روز اعتراض عمومی و پر قدرت علیه جمهوری اسلامی تبدیل کنیم. این روز باید نماد یک اعتصاب عمومی و سراسری علیه رژیمی باشد که در خدمت به منافع سرمایه داران زندگی و معیشت میلیون ها انسان را مورد تعرض قرار داده است.

کارگر کمونیست: یک مطالبه کارگران تعطیلی روز جهانی کارگر، اول مه است. چگونه میتوان روز جهانی کارگر را به روز تعطیلی عمومی تبدیل کرد. قدم عملی آن همین امروز چیست؟

حسن صالحی: در اول ماه مه باید همه مراکز کار و تولید تعطیل شوند. آنچه که باید در روز کارگر بطور برجسته ای در چشم هر بیننده نقش ببندد توقف کامل کار است. توقف کامل کار هم بدین معناست که چرخ هیچ کارخانه ای نباید بچرخد و همه ما باید دست از کار بکشیم.

علاوه بر این ما خواهان این هستیم که روز جهانی کارگر روز تعطیل رسمی و عمومی باشد. نه فقط کارگران باید تعطیل باشند بلکه این روز به نشانه همبستگی با کارگران باید یک روز تعطیل عمومی و رسمی باشد.

ماده ۶۳ قانون کار جمهوری اسلامی گوید: "علاوه بر تعطیلات رسمی کشور، روز کارگر (۱۱ اردیبهشت) نیز جزء تعطیلات رسمی کارگران به حساب می آید." همانطور که ملاحظه می کنید در این ماده به روز اول ماه یعنی روز جهانی کارگر اشاره نشده است و از تعطیل عمومی این روز هم خبری نیست. با این حال قانونگذاران جمهوری اسلامی زیر فشار کارگران مجبور شده اند از تعطیلی رسمی کارگران در "روز کارگر" سخن بگویند. همین باعث می شود که ما با حق طلبی بیشتری تلاش کنیم که تعطیلی رسمی و عمومی روز جهانی کارگر را به سرمایه داران و دولتشان تحمیل کنیم. روز اول ماه مه تعطیل رسمی است و مزد کارگران در این روز نیز باید بدون هیچ و عذر بهانه ای و تمام و کمال پرداخت شود. کارفرمایی هم که زیر بار این حق مسلم نمی رود باید با زبان اعتراض و مبارزه دسته جمعی کارگران و با استناد به قوانینی که رژیم به آن تن داده است مجبور به پذیرش آن شود.

تعطیلی و توقف کار در روز جهانی کارگر نماد و سمبل قدرت کارگران است.

کارگران مراکز نفتی با دست کشیدن از کار، معلمین که در صف مقدم مطالبه گری بوده اند با تحصن و اعتراض در این روز و کارگران هفت تپه و فولاد و دیگر مراکز کار و تولید با توقف کار می توانند در یک حرکت متحدانه و سراسری مطالبات خود را طرح کنند و رژیم سرمایه داران را به چالش بکشند. این بهترین فرصتی است که بتوانیم قدرت عظیم خود را در مقابل دولت سرمایه داران قرار دهیم، میخ پیشرویهایی بیشتر را در جدال برای گرفتن حق خود و تغییر وضع موجود به نفع همه شهروندان جامعه محکم بگوییم.

توقف کار در اول ماه مه باید با حاضر نشدن در محل کار توأم باشد تا هم تلاش عوامل و نیروهای دولتی و جاسوسان برای کشاندن کارگران به کار و یا کشاندن آنها به

باکارزاری سراسری به حمایت از معلمان بر خیریم



های آخوند به مدارس به آموزش با کیفیت در مدارس معنا و محتوای داده اند. به لحاظ خواسته‌های معیشتی نیز معلمان یک نیروی مهم اعتراض به حقوقهای زیر خط فقر و جنبش برای افزایش حقوق ها به بالای خط فقر بوده اند. از جمله یک محور قطعنامه هایشان افزایش حقوقها به بالای ۱۲ میلیون تومان بوده است. اکنون نیز با توجه به رشد سرسام آور تورم این دوازده میلیون نیز

زیرخط فقر است و در میان کارگران خواست افزایش حقوق ها به بالای ۱۶ میلیون جلو آمده است. معلمان با تاکید بر مطالبه قدیمی شان؛ اجرای طرح رتبه بندی مشاغل؛ بر افزایش حقوقها تا سطح هشتاد درصد هیات علمی تاکید کرده اند. در اینجا نیز باز اعتراض آنها به تبعیض ها و نابرابری هاست و به حقوقهای نجومی و بساط دزد سالار حاکم معترضند.

اما با توجه به سیاست حکومت برای سرداندن معلمان بر سر خواست طرح رتبه بندی، بهتر است برای متحد نگاهداشتن صف اعتراض خود مطالبه شان را مثل همیشه با بیان صریح تری اعلام کنند و با همصدا شدن با کارگران اعتراضاتشان را از چهارچوب تنگ طرح رتبه بندی مشاغل فراتر ببرند.

اول ماه مه فرصتی است که معلمان و دیگر بخش های طبقه کارگر حول خواسته‌های واحدشان متحد شوند و در برابر رژیمی که در تدارک تعرض به زندگی و معیشت کل جامعه است صف قدرتمندی از مبارزات را به نمایش بگذارند. یک کارزار مهم در این روزهای نزدیک به روز جهانی کارگر، حمایت از مبارزات و خواسته‌های معلمان است. باید وسیعا به تدارک آن رفت.

خواستار آزادی فوری معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی شویم.

همچنین یک دستاورد مبارزاتی مهم معلمان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان است و اعضای آن نمایندگان منتخب مجامع عمومی تشکلهای معلمان در شهرهای مختلف هستند. بدین ترتیب امروز معلمان تشکل توده ای و سراسری خود را دارند. با اتکاء به وجود چنین شکلی از سازمانیابی و به خدمت گرفتن مدیای اجتماعی است که امروز بدنه وسیع معلمان در اعتراضاتی که صورت میگرد نقش دارند، معلمان زن توانسته اند در جلوی صف اعتراض نقش آفرین باشند و نیز دیالوگی زنده و هر روزه بین معلمان و خانواده های دانش آموزان و مردم در سطح جامعه برقرار شده است. با این قدرت است که معلمان توانسته اند

اعتصابات و تجمعات سراسری و قدرتمندشان را بر پا کنند و چنین بدرخشند. اینها همه دستاوردهای مهمی است که جنبش شورایی را گام مهمی به جلو برده و کارایی و ممکن بودن ایجاد شوراها توده ای و مردمی را در مقابل چشم جامعه قرار داده است. همچنین راه ممکن بودن برپایی اعتصابات و تجمعات سراسری به کل جامعه نشان داده است. نباید بگذاریم که کوچکترین خدشه ای بر تشکل معلمان و صف گسترده فعالین آن وارد شود و با تمام قوا از آنها حمایت و پشتیبانی کنیم.

معلمان حلقه اتصال کل جامعه

معلمان با اعلام اینکه اعتراضات آنها صرفا معیشت محور نیست و با تاکید بر آموزش رایگان، با کیفیت، مدرن، شاد و غیر ایدئولوژیک حلقه اتصال مبارزات خود با کل جامعه را تعریف کرده اند و اعتراضات آنها به همه مردم مربوط است. از جمله آنها با اعتراض به کالایی بودن آموزش و با خواست لغو مدارس خصوصی عملا با مافیای آموزش در افتاده اند. با تاکید بر آموزش غیر ایدئولوژیک و اعتراض به تفکیک جنسیتی در کتابهای درسی و اعزام گله

شهلا دانشفر

همین جا معلمان با ابتکارت جالبی تلاش کرده اند در مقابل این سرکوبگری ها بایستند. از جمله با همراهی کردن و ابراز همبستگی جمعی با همکاران احضار شده خود، دادگاهها را به محل تجمع و اعتراضاتشان تبدیل کرده اند. در جاهایی در برابر احضار ها اولتیماتوم به اعتصاب داده اند. و با سرزدن به خانواده های معلمان زندانی و دیدار از همکاران دربندی که به مرخصی از زندان آمده اند، همبستگی مبارزاتی خود را به نمایش گذاشته اند. بعلاوه اینکه معلمان همواره یک نیروی مهم در جنبش علیه امنیتی کردن مبارزات با خواست بسته شدن پرونده های امنیتی برای همه فعالین اجتماعی با خواست آزادی معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بوده اند.

کارزار جهانی در حمایت از معلمان

اگر قبول داریم که جنبش معلمان امروز یک سنگر مهم برای همه کارگران و کل جامعه است. باید در سطحی اجتماعی و سراسری به مقابله با سرکوبگری های حکومت در قبال معلمان وارد صحنه شد و پاسخ آترا با کارزاری گسترده و سراسری داد. به این معنا که کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و همه بخش های جامعه امروز باید بازیگران چنین کارزاری باشند. و باید صدای اعتراض معلمان در سطح جهانی بود. و من فراخوانم به برپایی چنین کارزار قدرتمندی است. این کارزار میتواند یکی از اقدامات مشترک بخش های مختلف کارگری و همه بخش های مردم در آستانه روز جهانی کارگر و نمادی از همبستگی مبارزاتی در اول ماه مه باشد. با بیانیه های مشترک اعتراضی با امضای بخش های مختلف کارگری و خصوصا خانواده های دانش آموزان صدای اعتراضشان را به این سرکوبگری ها بلند کنیم. باید با اولتیماتوم دادن هیامان به اعتراض و تجمع در مقابل دادگاهها و مراکزی که معلمان در آنها در بازداشت بسر میبرند بر پایان دادن به پیگرد و دستگیری معلمان معترض و پرونده سازی های امنیتی علیه آنان تاکید کنیم. باید

معلمان بک بخش رزمنده و پیشتاز و یکی از سازمانیافته ترین بخش معترض جامعه هستند. معلمان در اعتراضاتشان با خواستههایی که جلو آورده اند امروز به فریاد رسای اعتراضات کل جامعه تبدیل شده اند. آنها خصوصا در دو سال اخیر با اعتصابات و تجمعات سراسری شان که دامنه اش به ۲۰۰ تا ۳۰۰ شهر کشیده شد، به جنبشی قدرتمند و به یک سنگر مهم جنبش کارگری و مبارزات مردمی در سطح جامعه تبدیل شده اند. جمهوری اسلامی از این قدرت آنها در فضای پرتلاطم سیاسی جامعه و حرکت پر شتاب جنبش کارگری در جلوی صف اعتراضات مردمی، بشدت وحشت کرده و در تلاش برای شکاف اندازی در درون آنها و سرکوب و تضعیفشان برآمده است. نباید اجازه دهیم.

در راستای پیشبرد چنین سیاستی است که جمهوری اسلامی از فرصت تعطیلات نوروز استفاده کرده و شهر به شهر شروع به احضار معلمان معترض و بر پا کردن بساط بیدادگاههایش کرده است. به این معنا که حکومت اسلامی از یک سو بدنای کلی سرداندن معلمان بحث کشفایی بر سر رتبه بندی مشاغل آنها که یک خواست مهم معیشتی شان است به راه انداخته است و با آیین نامه ای طویل و پیچ در پیچ که اساسا در جهت ایجاد تفرقه در صف معلمان و فاصله انداختن بین خانواده های دانش آموزان و دانش آموزان با آنان نگاشته شده، تلاش میکند این نیرو را از درون تضعیف کند و باز هم در انتظار نگاهدارد. از سوی دیگر حکم دادنهایشان را به پیش میبرند و بساط بیدادگاهها را به راه انداخته اند. از همین رو شهر به شهر سراغ معلمان میروند تا با ایجاد فضای امنیتی مانع دوباره به میدان آمدن و گسترش دامنه اعتراضاتشان خصوصا از همین آغاز سال ۱۴۰۱ بشوند.

از جمله در این مدت ما شاهد برگزاری دادگاه برای معلمان معترض در خوزستان و استان فارس و در شهرهای قزوین و مشهد و اسلامشهر بوده ایم. تا

اولین اول ماه مه بعد از قیام ۵۷ تبریز

بمناسبت اول ماه مه - جلیل جلیلی



از پرچم های سرخ رنگ و از وجود شعار های متنوع کارگری از جمله "آزادی تشکل، آزادی بیان، آزادی اعتصاب"، "حقوق برابر برای کارگران زن و مرد"، "پرداخت بیمه بیکاری برای همه بیکاران"، "زنده باد اول مه روز همبستگی جهانی کارگران" که بر پلاکاردها نوشته شده بودند آشکار بود که دست اندر کاران و رهبران مراسم های اول مه عمدتاً کارگران کمونیست بودند و اسلامی ها و طرفداران حکومت اسلامی در اقلیت بودند. صفوف هزاران نفری کارگران با سر دادن شعارهایی چون "یاشاسین 1 می" (زنده باد اول ماه مه)، "کارگرین حقی وئرلیسین" (حقوق کارگر باید پرداخت شود)، "نان، مسکن، آزادی... و با بر افراشتن پرچمهای قرمز رنگ و پلاکاردهائی که بر روی آنها شعارهائی چون "کارگران جهان متحد شوید" چاره رنجبران اتحاد و تشکل است"، زن و مرد برابرند... از باغ گلستان به مقصد باغ شمال، استادیوم ورزشی، به حرکت در آمد. مسیر راه پیمایی چنین تعیین شده بود که صفوف کارگران بعد از خارج شدن از باغ گلستان، از طریق خیابان پهلوی، که امروز خیابان امام نامیده میشود، بطرف میدان ساعت و از آنجا از طریق خیابان شاپور جنوبی، که امروز ارتش جنوبی نامیده میشود، بطرف باغ شمال یعنی میدان ورزشی شهر تبریز، که امروز ورزشگاه تختی نامیده میشود، راه پیمائی خواهند کرد و در آنجا مراسم سخنرانی اجرا خواهد شد. کثرت جمعیت شرکت کننده در این مراسم و وجود پرچم ها و پلاکاردهای رنگارنگ در دست کارگران نشانه شکوه و عظمت این مراسم و عزم کارگران برای برگزاری قدرتمند مراسم اول مه بود. ولی این صفوف در میدان ساعت با جمعیتی از حزب الهی های چماق بدست روبرو شد که در ابتدای ورود به خیابان شاپور جنوبی صف بسته بودند و از ورود کارگران به این خیابان جلوگیری میکردند. آنها مسیر خیابان پهلوی بطرف دانشگاه را باز گذاشته بودند و مدام از کارگران میخواستند که بطرف دانشگاه بروند. اعتراضات سازماندهندگان مراسم اول می و نمایندگان کارگران بر علیه این قلدری آشکار اسلامی ها و عوامل دولتی به جانی نرسید. صفوف کارگران دو شقه

شد. بخشی از آنها بطرف دانشگاه رفتند و بخشی دیگر همچنان به رفتن به باغ شمال پافشاری کردند. بتدریج بر تعداد کارگرانی که همچنان میخواستند بطرف باغ شمال بروند افزوده شد. کارگران توانستند صف حزب الهی ها را در هم شکنند و مسیر خود را بطرف باغ شمال باز کنند. در این موقع حزب الهی ها با سر دادن شعار "مسلمانان دانشگاه، کمونیست باغ شمال" به کارگران حمله کردند و پلاکاردهای آنها را در هم شکستند. با وجود این تعداد زیادی از کارگران با جنگ و گریز راه خود را بطرف باغ شمال ادامه دادند.

حزب الهی هایی که در میدان ساعت جمع شده بودند ترکیبی بودند از دانشجویان مسلمان طرفدار خط امام، فعالین سازمان مجاهدین خلق و دانشجویان طرفدار این سازمان، تعدادی از کارگران وابسته به انجمن های اسلامی و عده ای از لپمن های شهر تبریز. در میدان ساعت تا مدتها دو شعار از دو صفت بگوش میرسید: کارگران شعار میدانند "کارگر، کارگر متحد" و حزب الهی ها و طرفداران حکومت نعره میکشیدند "مسلمانان دانشگاه، کمونیست باغ شمال". تعداد زیادی از کارگران از طریق کوچه پس کوچه ها خود را به باغ شمال رسانده و تجمع نسبتاً بزرگی را در آنجا بوجود آوردند. ولی حزب الهی ها به تجمع کارگران در باغ شمال نیز حمله کرده و مراسم را بر هم زدند. و بدین ترتیب اولین اول مه بعد از قیام به يك صحنه جنگ و دعوا بین کارگران و عوامل دولتی در خیابانهای تبریز تبدیل شد. یازده اردیبهشت ۵۸ در تبریز يك روز با شکوه و بزرگ و تاریخی بود.

تجربه اولین اول مه بعد از قیام بار دیگر به

علیه کارگران شروع کرده بود ولی هنوز نتوانسته بود انقلاب را کاملاً سرکوب کند و توقعات کارگران را پائین بیاورد. کارگران که در بر اندازی حکومت شاه و سلطنت پهلوی نقش مهمی بازی کرده بودند، انتظار داشتند که زندگی بهتر و آزادتری داشته باشند. انتظار داشتند که در اول مه آنسال مراسم های پرشکوه، کاملاً مستقل از دخالت دولت و بدون ترس از حملات پلیسی برگزار کنند.

با نزدیکتر شدن اول مه زمزمه های دخالت دولت و برگزاری مراسم های دولتی شنیده شد. وقتی که تدارکات برای برگزاری مراسم اول مه در تبریز شروع شد معلوم بود که دو گروه برای این مراسم دست بکار بودند. از یکطرف کارگران کمونیست، که نفوذ وسیع و قدرتمندی در میان کارگران داشتند و تلاش داشتند که مراسمی کاملاً مستقل از دولت و مستقل از دخالت سازمانهای اسلامی برگزار کنند. دیگری عوامل دولتی و سازمانهای اسلامی از جمله سازمان مجاهدین خلق بودند که تلاش میکردند مراسم اول مه را به یک مراسم دولتی و اسلامی تبدیل کنند. هرچه به اول ماه مه نزدیکتر میشدیم سمپاشی های عوامل دولتی و فعالین سازمان مجاهدین خلق علیه کمونیستها و تهدید کارگران کمونیست بیشتر بگوش میرسید. انتظار عمومی بر این بود که مراسم باشکوهی در باغ شمال، استادیوم ورزشی شهر، برگزار شود. عوامل دولتی و سازمان مجاهدین خلق، که در آنروزها کاملاً از دولت موقت دفاع میکردند، هنوز مکان دیگری را برای مراسم اول مه اعلام نکرده بودند. تنها چند روز مانده به اول مه بود که اعلام شد اسلامی ها مراسم اول مه را در دانشگاه برگزار خواهند کرد و دکتر سروش سخنران این مراسم خواهد بود.

از اولین ساعات روز اول مه کارگران کارخانه های مختلف تبریز، از جمله ماشین سازی، تراکتورسازی، لیفت تراک سازی، کبریت سازی، سیمان سازی، کوکاکولا و... در باغ گلستان و خیابانهای اطراف این پارک تجمع کردند.

مراسم ها، تجمعات و راهپیمائی های اول ماه مه در سال ۱۳۵۸، اولین اول مه بعد از قیام ۵۷، بیشک بمشابه پرشکوه ترین و به یاد ماندنی ترین حرکات کارگری تاریخ معاصر در ایران ثبت شده اند. یادی از اول مه ۵۸، و مروری بر حوادث و اتفاقات مربوط به آن روز، مروری بر تجربیات آنست که بکارگیری آنها میتواند کمکی باشد به هرچه باشکوه تر برگزار شدن این مراسم در سال جاری.

از هفته ها مانده به اول ماه مه سال ۵۸ جنب و جوش وسیعی در میان فعالین کارگری در جریان بود. در باره شیوه های برگزاری مراسم های اول مه آنسال بحث ها و نظرات متفاوتی در میان رهبران و فعالین کارگری وجود داشت. با وجود اینکه تعداد زیادی از کارگران کمونیست میدانستند که در انقلاب سرشان کلاه رفته و دولت تازه بقدرت رسیده کاری را ادامه خواهد داد که حکومت شاه توانست به انجام برساند اما توهم به آن دولت در میان نه تنها بخش زیادی از کارگران بلکه در میان شماری از رهبران کارگری هم مشاهده میشد. در چنین اوضاع و احوالی بود که کارگران کارخانه ها و مراکز تولیدی در تبریز خود را برای برگزاری مراسمهای اول مه آماده میکردند.

این اولین تجربه برگزاری مراسم اول مه بشکل علنی برای نسل آنروز کارگران ایران بود. مراسمهای اول مه تا قبل از سال ۵۸ عمدتاً در محافل و جمع های محدود کارگری، و عمدتاً بشکل مخفی و دور از کنترل و دسترس پلیس امنیتی حکومت پهلوی برگزار شده بودند. کسی از رهبران جوان کارگری در آن دوره تجربه ای از برگزاری مراسم های علنی، پرشکوه و ده ها و صدها هزار نفری نداشت. از همین رو رهبران و فعالین کارگری با شرایطی کاملاً جدید روبرو بودند. بهار ۵۸ اولین بهاری بود که از دیکتاتوری ۵۰ ساله پهلوی در آن خبری نبود. دولتی سر کار بود به اسم دولت موقت که هنوز نتوانسته بود اوضاع را تحت کنترل خود درآورد. حکومت اسلامی، اگر چه حملاتش را بر

اعتراض به اجرای پروژه پتروشیمی در میانکاله



زیست به همه مردم، به همه طیف ها مربوط است. حضور افراد شناخته شده هنری و سینمایی، ورزشکار و شاعر و نویسندگان در مبارزه علیه تخریب محیط زیست که اساسا از طرف ارگان ها و دار و دسته های حکومت انجام میشود این اعتراضات را قدرت بیشتری میدهد و از جمله سد محکمی در مقابل فشارهای امنیتی به فعالین محیط زیست ایجاد میکند...#نه به پتروشیمی_میانکاله
برگرفته مدیای اجتماعی حزب
https://t.me/wpi_hkki

شماری از فعالان محیط زیست، امروز شبیه بیست فروردین ماه، مقابل ساختمان سازمان حفاظت محیط زیست در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند. معترضان با در دست داشتن نوشته هایی، نسبت به اهمال مسئولان در حفاظت از مراتع و جنگل های میانکاله و اجرای پروژه پتروشیمی در این منطقه اعتراض کردند.

در روزهای گذشته نیز فعالین محیط زیست در مکان اجرای پروژه پتروشیمی دست به تجمع اعتراضی زدند. هدیه تهرانی بازیگر سینما و تئاتر نیز با حضور در تجمعات و با در دست داشتن پلاکاردهای اعتراضی به جمع معترضین پیوسته و خواستار توقف این پروژه شد. اگر هدیه تهرانی میتواند در این اعتراض شرکت کند بقیه هم میتوانند. محیط



دیدار به قیامت دخترم...

به این نبرد رفتیم. نسل ما و نسلهای پیش از ما سوخت. ما در حسرت آزادی، برابری، عدالت و رفاه سوختیم. ما در تبعیض و بیدادگری سوختیم. اما تصمیم گرفتیم در برابر فجایع بی نفوت نباشیم. اما خواستیم که نسل شما دیگر نسل سوخته نباشد. جنگ را ما آغاز نکردیم. این جنگ پیش از زاده شدن من آغاز شده بود و هزاران پدر و مادر را از فرزندان و همه عزیزانشان جدا کرد، هزاران کودک مثل تو در نبود پدر، مادر یا هر دو بزرگ شدند و زندگی را ادامه دادند، دیدار به قیامت دخترم

البته این قیامت واقعی است! در همینجا رخ می دهد، به وسیله خود ما با سرنگونی ستمگران، و آنگاه دوباره زندگی به ما لیخنند خواهد زد، دل قوی دار و مثل همیشه سختی ها را یکی پس از دیگری مغلوب خود کن. دیدار به قیامت دخترم.

سهیل عربی جهت اجرای حکم احضارش

سهیل عربی، زندانی سیاسی سابق روز پنجمشنبه ۱۸ فروردین ماه، با دریافت ابلاغیه ای جهت اجرای حکم حبس به شعبه ۱ اجرای احکام کیفری دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۳۳ احضار شد. سهیل عربی پس از انتشار این خبر در صفحه شخصی خود دلنوشته ای خطاب به دخترش منتشر کرد که در زیر آمده است:

...دیدار به قیامت دخترم

به او بگوئید دوستش دارم، به او بگوئید، چاره ای جز پیروزی در این نبرد ناخواسته نداشتیم...
دل می خواهد، بدانی با چه شتابی کار میگردم، حتی در محل کار صبحانه و نهار نمی خوردم که زودتر کارها تمام شود و ده دقیقه هم شده بیشتر با تو باشم، حتما می پرسی چه چیزی مهمتر از فرزندت بود که رفتی، پاسخ میدهم خودت، فرزندم تمام زندگی ات برایم مهم بود که

به پیشواز اول مه برویم

اول مه، روز جهانی کارگر را به روز اعتراض عمومی در سراسر کشور تبدیل کنیم.
- برگزاری روز جهانی کارگر را به گفتن همه مردم در همه شهرها تبدیل کنیم
- با پیام های همبستگی با کارگران و اعتراض به فقر و گرانی و بی حقوقی، بصورت کتبی، تصویری و صوتی از هم اکنون به استقبال برگزاری یک اول مه باشکوه برویم.
- مدیای اجتماعی را به مرکز گفتن بر سر برگزاری هر چه گسترده تر اول مه تبدیل کنیم.
- با شعارنویسی بر در و دیوار، فضای تمام شهرها را به رنگ این روز تبدیل کنیم.
- با فراخوان های مشترک و بیانیه ها و قطعنامه های مشترک روز جهانی کارگر را به روز اتحاد مبارزاتی بخش های مختلف کارگری و کل جامعه حول خواستها و اعتراضات سراسری تبدیل کنیم.

زنده باد اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

از صفحه ۶

اولین اول ماه مه بعد از...

کارگران یادآور شد که:

- ۱- رهائی کارگران، رهائی جامعه به دست خود کارگران ممکن است
- ۲- رهائی کارگران بدون بدست گرفتن قدرت سیاسی ممکن نیست
- ۳- کسب قدرت سیاسی از طرف طبقه کارگر بدون متحد شدن و متشکل شدن کارگران حول یک پرچم واحد امکان پذیر نیست

اول مه روز فریاد خواستهای مشترک

بیانیه ها و قطعنامه های مشترک روز جهانی کارگر و خواستهای سراسری، مضمون اتحاد همه مردم در سراسر کشور است.
شعار حقوقهای نجومی فلاکت عمومی، خواست افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۱۶ میلیونی، درمان و آموزش رایگان، آزادی معلمان و کارگران و کلیه زندانیان سیاسی، لغو کار کودکان، لغو حجاب اجباری لغو مجازات اعدام و پایان دادن به سرکوبگری های حکومت، پایان دادن به اختلاسها و دزدیها، حق تشکل، تجمع، تحزب، اعتراض و آزادی های وسیع سیاسی، داشتن زندگی ای شاد و انسانی از جمله نقطه اشتراک اعتراضات بخش های مختلف کارگری و کل جامعه است. میتوان با انتشار بیانیه هایی هماهنگ و مشترک بر این خواستها تاکید کرد.

زنده باد اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری



اخیر افزایش یافته است و این دو استان در سال‌های اخیر به ترتیب رتبه نخست و دوم را در حوادث کار داشته‌اند. همچنین دو استان خوزستان و مرکزی در سال‌های اخیر رتبه سوم و چهارم را به خود اختصاص داده‌اند.

حزب کمونیست کارگری در برنامه خود برنامه یک دنیای بهتر در این رابطه بر این نکات تاکید میکند: تضمین ایمنی و بهداشت محیط کار و تقلیل مخاطرات کار به حداقل ممکن، بدون هیچ صرفه جویی، با استفاده از پیشرفته ترین تسهیلات و امکانات مورد استفاده در سطح جهان. نظارت و معاینه پزشکی منظم در برابر مخاطرات و بیماری های حرفه ای و ناشی از کار، توسط مراجع پزشکی مستقل از کارفرما، به هزینه کارفرمایان و دولت. - بیمه کامل کارگران در مقابل صدمات و خسارات ناشی از کار، اعم از اینکه در محیط کار و یا خارج آن رخ دهد و بدون اینکه کارگر نیازی به اثبات قصور کارفرما و یا مدیریت داشته باشد. پرداخت حقوق کامل بازنشستگی به کارگرانی که در نتیجه صدمات ناشی از کار توانایی کار کردن را از دست می‌دهند

آورد که ریسک های به مراتب بیشتری را برای آنان ایجاد خواهد کرد. چالش های پیش روی کار زنان نیز زیاد است. در کشورها بستگی به نظام ساختاری از جمله ایران با نظام ضد زن دشواری های کار زنان شدت بیشتری پیدا میکند.

بر اساس گزارش سازمان بین المللی کار ۹۸ درصد حوادث ناشی از کار قابل پیشگیری است. کشورهای ژاپن، سوئد و فنلاند بیشترین کاهش در زمینه حوادث کار را دارند. عامل عمده این کاهش تغییر شرایط محیط کار از وضعیت نایمن به ایمن بوده است.



در ایران در سال گذشته بیش از هزار نفر در حوادث ناشی از کار، جان خود را از دست دادند بیشترین قربانیان حوادث کار به دلیل سقوط از بلندی، اصابت جسم سخت، برق گرفتگی، سوختگی و کمبود اکسیژن بوده است. و دیگر عوامل در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در این حوادث ۱۵ هزار نفر نیز مصدوم شده اند. که شامل معلول شدن و از کار افتادگی نیز می‌باشد. وضعیت حوادث ناشی از کار در استان تهران و اصفهان در سال‌های

۴۴ آپریل روز جهانی علیه حوادث ناشی از کار

نسان نودینیان

حوادث در محیط کار هر سال باعث مرگ و از کار افتادگی چند میلیون از کارگران و کارکنان بخشهای مختلف تولیدی و پروژه ای می شود. قربانیان حوادث جدی مربوط به بیماری های شغلی و حوادث ناشی از کار، طبق برآورد سازمان بین المللی کار بالغ بر ۳۴/۲ میلیون نفر در سال می باشد و همچنین هزینه ای بالغ بر ۴ درصد تولید ناخالص جهان را به خود اختصاص میدهد. در اغلب کشورها از جمله ایران، حوادث ناشی از کار، مرگ و میر و بیماری ها، به طور کامل گزارش و ثبت نمی گردند بنابراین ارقام اعلام شده جهانی می توانند به صورت برآوردی در نظر گرفته شود و میزان واقعی از آن بیشتر است.

بیشترین مرگ و میر ناشی از بیماری های شغلی سرطان، بیماری های خونی و بیماری های مسری را شامل می گردد. مرگ ناشی از مواجهه با مواد خطرناک در محیط کار بیشترین آمار مرگ را در بر میگیرد. آمار حوادث محل کار که منجر به زخمی شدن و آسیب دیدن میشود بیش از سیصد میلیون نفر در سال است. بر اساس گزارش سازمان بین المللی کار (ILO) تحقیقات انجام شده حاکی از پدید آمدن ریسک های جدید ایمنی و بهداشت کار در جهان است که ناشی از ظهور فن آوری های نو در جهان است.

برای مثال عوامل ناشی از بیماری های روانی - اجتماعی (psychosocial illness) قبیل استرس های شغلی و دیگر ناهنجاری های ذهنی، مواجهه با تشعشعات غیر یونیزان و بیماری های مربوط سالخوردهگی نیروی کار که از چالش های جدید نیروی کار در کشورهای توسعه یافته است، گسترش مشاغل غیر رسمی، اشتغال در مشاغل پرخطر، قراردادهای موقت و کارگران

مهاجر همچنان از مسائل و چالش های بزرگ پیش روی سازمان بین المللی کار می باشند.

سالخوردهگی کارگران در بالا بودن حوادث کار نقش بسزایی دارد. آمار تحقیقاتی سازمان بین المللی کار (ILO) نشان می دهد بیش از ده درصد نیروی کار جوان هم اکنون در جهان بی کار می باشند و برخی از آنها به ناچار به مشاغل غیر رسمی و کارهای سیاه روی خواهند

در اعتراض به اجرای حکم دو تن از اعضای کانون نویسندگان ایران



بیانیه

۲۰ فروردین ۱۴۰۰

در اعتراض به اجرای حکم دو تن از اعضای کانون نویسندگان ایران



خانواده‌ها و نزدیکان آنان همراه است، خواهان لغو فوری حکم‌های صادر شده برای ثقفی و صفرزاده و آزادی بی قید و شرط همه‌ی زندانیان سیاسی و عقیدتی است.

(کانون نویسندگان ایران

۲۰ فروردین ۱۴۰۰)

برگرفته از مدیای اجتماعی

ثقفی و صفرزاده از معرفی خود به زندان اوین در تاریخ مقرر سر باز زدند، اما پس از بازداشت در تاریخ ۲۰ اسفند ۱۴۰۰ در کرج، برای اجرای حکم پیشین‌شان به زندان کجویی منتقل شدند.

کانون نویسندگان ایران ضمن محکوم کردن سرکوب مداوم فعالان مدنی و سیاسی که همچون همیشه با فشار بر

علیرضا ثقفی خراسانی، نویسنده، مترجم، فعال کارگری و عضو کانون نویسندگان ایران و هاله صفرزاده، نویسنده، فعال کارگری و عضو کانون نویسندگان ایران در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸ در پارک جهان‌نمای کرج بازداشت و پس از ۱۶ روز حبس به قید کفالت آزاد شدند. چند ماه بعد، دادگاه هر یک از آنها را به اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال حبس محکوم کرد. این حکم در دادگاه تجدید نظر تأیید و به اجرای احکام فرستاده شد.

در ماه‌های اخیر، حکومت موج جدیدی از آزار و احضار و به بند کشیدن فعالان صنفی را به راه انداخته است. بسیاری از نویسندگان، معلمان، فعالان زنان و کارگری به زندان احضار شده‌اند یا ابلاغیه‌هایی برای وثیقه‌گذاران آنان ارسال شده است. دو تن از اعضای کانون نویسندگان ایران، علیرضا ثقفی و هاله صفرزاده نیز ماه گذشته در مراسمی در کرج بازداشت شدند و بلافاصله حکم زندان پیشین آنان اجرا شد.

بیانیه حزب کمونیست کارگری در مورد خشونت سیستماتیک جنسی علیه زنان در جمهوری اسلامی



تعدیات و دست درازیها به زنان و کودکان، زیر فشار گذاشتن حکومتیان با دفاع گسترده از برابری زن و مرد و لغو حجاب اجباری و لغو قوانین ضد زن، گام مهمی در این راستاست.

این جنبش را باید همه جانبه تقویت کرد. باید از زنان معترض به خشونت جنسی بدون هیچ تردید و تاملی حمایت کرد و صدایشان را بازتاب داد. با کودک همسری و فرهنگ ضد کودک باید فعالانه مقابله کنیم و لغو قوانین ضد انسانی حاکم در زمینه حقوق زن و کودک را به خواستی همگانی تبدیل کنیم، تبلیغات شیخ حکومتی علیه زنان را افشا و محکوم کنیم و فرهنگ پیشرفته و انسانی در زمینه مسائل جنسی را در مدارس و در سطح جامعه توسط معلمان و بخش های پیشرو جامعه اشاعه دهیم، ادبیات پیشرو در زمینه مسائل جنسی را با استفاده از تجارب زنان در کشورهای پیشرفته تر اروپایی هر چه بیشتر منتشر کنیم، خواست برابری کامل زن و مرد و لغو کلیه قوانین ضد زن و انحلال کیه ارگان های ضد زن حکومتی را به خواست کلیه تشکل ها و جنبش های حق طلبانه تبدیل کنیم و حکومت و ارگانها و مبلغان ضد زن را هرچه بیشتر تحت فشار قرار دهیم.

برای پایان دادن خشونت و تجاوز هر روزه ای که در محیط کار و خانه و خیابان و همه جا علیه زنان صورت میگیرد و پایان دادن به کل بیحقوقی زن و فرهنگ و قوانین ضد زن باید حکومت زن ستیز اسلامی را سرنگون کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ فروردین ۱۴۰۱، ۶ آوریل ۲۰۲۲

خرافات مذهبی و تابوهای مذهبی ضربه ای اساسی میزند. حکومت میلیون ها دختر بچه را از همان کودکی بدون آموزش و بی دفاع در جامعه رها میکند و از آنطرف فرهنگ زن ستیزی و اینکه زن فتنه گر است و خودش عامل تجاوز است را رواج میدهد و دست لپمن های حکومتی و مردان تجاوزگر را علیه زنان باز میگذارد. در یک کلام تجاوز به زنان در ایران قانونی و حکومتی و نهادینه است، فرهنگ تجاوز و سوء استفاده از زنان مستقیماً توسط حکومت و طبق اسلام و قوانین حکومتی اشاعه داده میشود و مبارزه علیه آن نیز اساساً مبارزه ای علیه حکومت و قوانین آن است.

مقابله با حکومت زن ستیز اسلامی و حکومت تجاوز و جنایت علیه زنان از بدو سر کار آمدن حکومت در ابعادی وسیع شروع شد و علیرغم همه جنایات حکومت، این جنبش اجتماعی تر، تعرضی تر و آگاهتر شده است. مقاومت گسترده زنان علیه حجاب اجباری، عکس العمل معلمان و بسیاری از فعالین نسبت به قتل فبیج مونا حیدری، تحرک قابل توجه زنان و مردم آزاده در هشت مارس ها، بیانیه های مختلف توسط فعالین جنبش های اعتراضی، حضور فعال زنان در خط مقدم جنبش های حق طلبانه، گسترش رقص و شادی زنان در هفته های اخیر، اعتراض وسیع به راه ندادن زنان به ورزشگاه و پاشیدن اسپری فلفل به صورت آنها و بیانیه بیش از ۳۰۰ نفر از سینماگران علیه خشونت و تجاوز جنسی و قبل تر از آن جنبش «من هم»، گوشه هایی از این جنبش عظیم علیه خشونت به زنان و حکومت تجاوز اسلامی و قوانین ضد زن اسلامی را نشان میدهد.

ریشه کن کردن تعدی و تجاوز به زنان بدون دست بردن به ریشه که خود حکومت و قوانین اسلامی است، امکان پذیر نیست. جنبش علیه خشونت و تجاوز به زنان به همین دلیل از ابتدا بخشی از جنبش سرنگونی حکومت بوده است و امروز نیز باید خود را در این قامت ببیند و در این راستا گام بردارد. افشای

مقصر دانستن زنانی که مورد تعرضی جنسی قرار میگیرند در رسانه های حکومتی و مساجد، از بیحقوقی رسمی زن در خانواده و اجبار به تمکین به شوهر تا ممنوعیت رابطه آزاد جنسی میان بزرگسالان و در مقابل قانونی بودن تعدد زوجات و خرید و فروش زن تحت عنوان صیغه اسلامی، از نادیده گرفتن سوء استفاده های هر روزه جنسی از زنان توسط وابستگان به قدرت و کارفرماها و مقامات اداری تا تبرئه یا تخفیف در محکومیت مرتکبین قتل های ناموسی و متجاوزین به زنان، از تحقیر جنسی رنگین کمانی ها تا محکومیت بدلیل گرایش جنسی آنها و از تبلیغات کثیف هر روزه حکومتیان و آیت الله ها و صدا و سیما علیه بیحجابی تحت عنوان هرزگی و بی بند و باری زنان تا جلوگیری از آموزش مسائل جنسی در مدارس و هزاران نمونه دیگر، اینها همه گوشه ها و جنبه های مختلف سیستمی را نشان میدهد که از اساس بر تجاوز و تعدی به زنان و کودکان بنا شده است.

رسانه های حکومتی، آخوندها، آیت الله ها و کلیه مزدوران حکومت بیحجابی را معادل «بی ناموسی» معرفی میکنند و این فرهنگ ضد زن و عقبمانده را مدام در جامعه پمپاژ میکنند و بدین طریق اوباش و آتش به اختیاران را به جان زنان می اندازند اما نه کوچکترین قانونی در دفاع از زنان وجود دارد و نه کوچکترین نهادی برای حفاظت از زنانی که مورد انواع تهدیدات جنسی و قتل ناموسی و غیره قرار میگیرند. جمهوری اسلامی برعکس، نهادهای مدافع حقوق زن و فعالین این عرصه را مدام تحت تعقیب قرار میدهد و دستگیر و زندانی میکند. عامدانه از آموزش مسائل جنسی در مدارس خودداری میکند و بجای آن تبدیل زنان و دختران به انسان های بیحقوق و برده جنسی را آموزش میدهد و مانع آگاهی کودکان از ابتدایی ترین مسائل جنسی و بالا بردن هوشیاری و اعتماد بنفس آنها در مقابل دست درازی های جنسی و راههای مقابله با آن میشود، چون این آموزش ها به

هنوز جنایت هولناک قتل مونا حیدری کودک- همسر موضوع داغ جامعه بود که بیانیه بیش از ۳۰۰ نفر از سینماگران زن از ابعاد گسترده خشونت و آزار و تعرض جنسی به زنان در محیط سینما پرده برداشت.

بیحقوقی زن و تجاوز و خشونت جنسی علیه زنان پدیده ای جهانی است و مبارزه علیه آن و علیه بنیادهای آن نیز در سراسر جهان و به اشکال گوناگون جریان دارد. اما در کشورهایی که جریانات اسلامی حکومت میکنند و مشخصاً در ایران تجاوز و خشونت جنسی علیه زنان که به بیرحمانه ترین و زمخت ترین اشکال، هر روزه و در ابعاد وسیعی عمل میکند، سیستماتیک، حکومتی و قانونی است. این حکومت است که با استفاده از تمام امکانات خود فرهنگ تجاوز به زنان را اشاعه میدهد و زنان را رسماً و بر طبق قوانین و سنت های اسلامی به برده جنسی تبدیل میکند. ابعاد تجاوز و تعدی به زنان و کودکان تحت حکومت اسلامی در ایران و سیستم عریض و طویل نهادهایی که هم و غمشان سازمان دادن کودک همسری و صیغه و خرید و فروش زنان و کودکان و توجیه تجاوزات و تعدیات هر روزه به زنان است، بشدت تکاندهنده و یک فاجعه بزرگ تاریخی و انسانی است.

از اخلاقیات عقبمانده و ضد زن و ضد بشری اسلامی که توسط حکومت رواج داده میشود تا کودک همسری و قوانین جمهوری اسلامی که تجاوز به دختر بچه ها را تحت عنوان ازدواج اسلامی به رسمیت شناخته است، از تجاوز به زنان زندانی سیاسی در دهه شصت که با توجیهای شرعی انجام شد و تجاوز به سایر زندانیان در تمام طول حاکمیت جمهوری اسلامی تا خشونت جنسی کلامی و توهین و تحقیر جنسی هر روزه علیه زنان زندانی، از رفتار کثیف و بیشرمانه مقامات دادگاهها با زنان شاکی از تجاوز یا زنانی که برای طلاق به دادگاهها مراجعه میکنند و محکوم کردن زنانی که در مقابل تجاوز جنسی از خود دفاع میکنند در بیدادگاههای حکومت تا

دغل بازی؛ از مزد توافقشی تا ویرکول اضانی!

یاشار سهندی

در پی تعیین "افزایش" 57.4 درصدی حقوق پایه، کارگران تحت پوشش تامین اجتماعی، مزدوران مشکل در تشکیلاتهای سیاه حکومت خود را پیروز میدان نشان میدهند و ظاهراً هنوز راضی نیستند! حسین صادقی چاقوکش، درخصوص افزایش حقوق ۱۴۰۱ مدعی است: "این افزایش حقوقی چیزی نبود که به طور کامل مورد قبول ما باشد اما کار بزرگی صورت گرفت و نمایندگان کارگران (۴) زحمات بسیاری در این خصوص کشیدند... و با وجود تمام تلاش‌ها حداقل حقوق ۱۴۰۱ تنها ۷۲ درصد از سبد معیشت را پوشش می‌دهد و ۲۸ درصد سبد حداقلی معیشت با این رقم پوشش داده نمی‌شود." حداقل معیشتی مورد نظر ایشان همان نزدیک 9 میلیون تومان سبد معیشتی است که بسیار کمتر از آن چیزی است که مطالبه اصلی کارگران، یعنی 16 میلیون تومان بوده است. جمهوری اسلامی در تمام این سالها در تلاش بوده خود را از شر تعیین دستمزد راحت کند و بسیار سعی کرده آنرا عملی کند. آن مقداری هم که این همه منت بابت آن سر کارگران میگذارند عملاً شامل بخش وسیعی از کارگران نمی‌شود.

درحال حاضر با توجه به سیاستهای حکومت اسلامی پانزده میلیون کارگر وجود دارند که عملاً تعیین مقدار دستمزد شان تنها به خواسته و میل کارفرما است و اسم آنرا گذاشته "مزد توافقشی"! یکی مانند حسین حبیبی که خود مهره ای است در خدمت سرمایه داری می‌گوید: "توافق بر سر دستمزد، یعنی تیغ را به دست زنگی مست یا همان سرمایه داری دادن تا هرچو می‌خواهد کارگران را استثمار کند و به روز سیاه بنشانند." به گزارش نسرين هزاره مقدم در ایلنا "گروه‌های خیریه به

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست

کنیم که بخوبی نشانگر این است که "در معادله‌ی نابرابر کارگر- کارفرما" حکومت همیشه جانب سرمایه داران و خود به عنوان دولت سرمایه داران را گرفته است.

طبق روال سالهای گذشته مصوبه شورای عالی کدایی در مورد حداقل دریافتی کارگران مبنای افزایش حقوق بازنشستگان است و امسال نیز بر اساس مصوبه فوق ظاهراً باید 38 درصد حقوق بازنشستگان افزایش می‌یافت اما در پی آن هستند که افزایش حقوق بازنشستگان را تا آنجا که ممکن است در کمترین حد ممکن در نظر بگیرند و به بهانه وجود ویرگولی موضوع را موکول به اردیبهشت ماه کرده اند. کسی که افتخارش تلاش برای بریدن زبان کارگر است، مدعی شده: "اجازه نمیدهم یک ویرگول اشتباه در بودجه، حقوق بازنشستگان تنها 10 درصد افزایش یابد!"

در متن بودجه ای که تماماً هجومی به سطح معیشت بخور و نمیر جاری کارگران است، ویرگولی وجود دارد که سازمان تامین اجتماعی مدعی است این ویرگول قانوناً مانع افزایش بیش از 10 درصد از حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی است! "علی دهقان کیا، رئیس کانون بازنشستگان کارگری تهران، (بخشی از تشکیلات سیاه خانه کارگر) بعد از دومین جلسه برای تعیین میزان افزایش مستمری‌ها گفته است در قانون بودجه ۱۴۰۱، یک اشتباه کوچک تایی وجود دارد و آن اینکه در تبصره ۱۲ قانون بودجه، وقتی افزایش مستمری صندوق‌های زیرمجموعه دولت را ده درصد مشخص کرده، یک ویرگول اشتباه آمده و نوشته شده «صندوق تامین اجتماعی، نیروهای مسلح»؛ در حالیکه منظور صندوق تامین اجتماعی نیروهای مسلح یا همان صندوق لشگری است. "داستان آنقدر مسخره است که صدای مزدوران دیگر سرمایه درآمده است. غلامرضا بنی اسدی از اصلاح طلبان حکومتی نوشته: "چطور اعضای محترم دولت را چنین می‌پندارند که فرق این دو را نمی‌دانند و چون جناب تالیست یک ویرگول «نا به جا» در کاغذ گذاشته است، باید مطالبه «به جا»ی چندین میلیون مستمری بگیر و خانواده‌های شان معطل بماند؟" و جناب چاقوکش از قول معاونت پارلمانی سازمان تامین اجتماعی

سردمداری نذر خیریه اشتغال(۱) در اصفهان" با توصیف کردن کارگران به گوسفندان که خیر و شر خود را نمی‌شناسند به شدت در پی قانونی کردن مزد توافقشی است امری که عملاً با وجود تبصره‌ها و بخشنامه‌های گوناگون شکل رسمیت پیدا کرده است. حسین حبیبی‌ها نیز، نه تنها در پی حمایت از کارگران نیستند بلکه در فکر دفاع از قانون کار کدایی خود هستند؛ قانون کاری که سنگ بزرگی بر پای کارگران است.

وحوشی که در "نذریه‌های خیریه اشتغال" (از عنوان خیریه پیداست در پی شکار کارگران هر چه بیشتر ارزان برای سرمایه داران هستند) همین قانون کدایی را نیز نمی‌توانند تحمل کنند. گزارشگر ایلنا در دفاع از قانون کار کدایی نوشته است: "... می‌دانیم قانون کار فعلی در زمان وزارت ابوالقاسم سرحدی‌زاده (دشمن خونی کارگران و کمونیستها که به سرای باقی شتافته)... تصویب شده است؛ قانونی که در معادله‌ی نابرابر کارگر - کارفرما به درستی جانب طرف ضعیف‌تر معادله یعنی کارگر را گرفته است... "عجباً و بلافاصله خانم گزارشگر اذعان می‌کند این قانون مثلاً مدافع کارگر ابتر شده: "... و البته بازم می‌دانم که تا امروز بخش عمده‌ای از حمایت‌های قانونی این متن با ترفندهای بخشنامه‌ای و پلٹیک‌های تفسیری از میان برداشته شده است. برای مثال، کارفرمایان در دهه‌ی ۷۰ شمسی با بهره‌گیری از تفسیر مخالف شرط مندرج در بند دوم ماده ۷ قانون کار، «مدت زمان» را در تنظیم قراردادهای کار گنجانده و به قراردادهای موقت کار، وجهی قانونی بخشیدند؛ همین شرط سلبی، دستمایه‌ای شد برای صدور دادنامه ۱۷۹ دیوان عدالت اداری که در سال ۷۵ به منصفی ظهور رسید و پس از آن، «قراردادهای دائم کار» به اتوپیایی دور از دسترس تبدیل شد."

بهانه ویرگولی!

در اینجا به مورد دیگری باید اشاره



می‌گوید: "وجود این ویرگول در قانون بودجه و جدا کردن کلمه «صندوق تامین اجتماعی» از «نیروهای مسلح» یک شیطنت است و به صورت تلفنی این موضوع را با مجلس مطرح کرد و آن‌ها نیز تاکید داشتند که اشتباهی در این خصوص صورت گرفته است." و صادقی تهدید کرده است که: "با این موضوع اصلاح می‌شود و این ویرگول برداشته می‌شود یا ما از قوه قهریه استفاده می‌کنیم و با فراخوان سراسری به میدان می‌آیم!" یکی جلو ایشان را بگیرد تا کار دست خودش نداده!

ریاکاری، دغل بازی، فریب کاری، خدعه، نیرنگ و... هر اصطلاحی از این دست هنوز بیانگر سیاستهای رژیم اسلامی سرمایه در مواجهه با مشکلاتی که سر کارگران (و کل جامعه) آوار کرده اند، نیست. عوامل این حکومت به هر تشبیه‌ی دست میزنند که فلاکتی که روز بروز دامنه آن گسترش می‌یابد و همه آن نتیجه سیاستهای رسمی و روتین حکومت است را ماستمالی کنند و بهر شکلی که ممکن است کارگران را به مرگ بگیرند تا به تب راضی شوند. ترفندهای کهنه و بی اثر. بهرحال ایشان هر چقدر هم دغل کار اما می‌دانند با وجود اعتراضات وسیع بازنشستگان و کارگران و معلمان و پرستاران و ... چه خطر بزرگی نظام اسلامی سرمایه را تهدید می‌کند. و خوب میدانند وجود جنبش قدرتمند اعتراضی می‌تواند دودمان ایشان را به باد دهد. شامورتی بازیهایی از این دست شاید به درد دعوای جناحی ایشان بخورد اما مسلماً جلو جنبش اعتراضی و سراسری کارگران کارساز نخواهد بود بلکه برعکس بیشتر خشم کارگران را برخواهد انگیخت.

اعتصاب کارگران شهرداری بهبهان و تجمع کارگران کشت و

صنعت لرستان

شب چهارشنبه ۱۷ فروردین کارگران شهرداری بهبهان که تعدادشان حدود شصت نفر است، بدلیل عدم پرداخت دستمزد اسفند ۱۴۰۰ دست به اعتصاب زدند و در میدان هلال احمر بهبهان تجمع کردند. زیر فشار اعتراضات کارگران مسئولین شهرداری در میان کارگران حاضر شدند و اعلام کردند که بودجه‌ای ندارند که حتی بتوانند سه ماه یکبار حقوق ها را پرداخت کنند و تا اردیبهشت خبری از دستمزد نخواهد بود. این صحبت ها بر خشم کارگران دامن زده و آنها اعلام کردند که تا وقتی طلبهایشان پرداخت نشود به اعتراض خود ادامه میدهند.

- روز پنجشنبه ۱۸ فروردین، شماری از پرسنل کشت و صنعت لرستان، برای دومین روز متوالی، با تجمع مقابل این اداره در اعتراض به شرایط جدید کارفرما در تمدید قراردادها دست به تجمع زدند. کارگران می‌گویند مسئولان کشت و صنعت لرستان زیر بار افزایش ۵۷ درصدی حقوق کارگران نمی‌روند.

کمونیست کارگری ایران حزب.

۱۸ فروردین ۱۴۰۱، ۷ آپریل ۲۰۲۲

کوت نواصر، شهرستان کارون، شهر ایذه و همینطور شهر مسجد سلیمان منتشر شد اما هیچ مقام و نهادی مسئولیت آن را به عهده نگرفت. روزانه بیش از ۴۰ تن

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری بهبهان

شب چهارشنبه ۱۷ فروردین کارگران شهرداری بهبهان که تعدادشان حدود شصت نفر است، بدلیل عدم پرداخت دستمزد اسفند ۱۴۰۰ دست به اعتصاب زدند و در میدان هلال احمر بهبهان تجمع کردند. زیر فشار اعتراضات کارگران مسئولین شهرداری در میان کارگران حاضر ای ندارند شدند و اعلام کردند که بودجه که حتی بتوانند سه ماه یکبار حقوق ها را پرداخت کنند و تا اردیبهشت خبری از این صحبت ها بر دستمزد نخواهد بود. خشم کارگران دامن زده و آنها اعلام کردند که تا وقتی طلبهایشان پرداخت نشود به اعتراض خود ادامه میدهند.

کمیته سازمانده حزب کمونیست، واحد خوزستان

۱۹ آپریل ۱۴۰۱، ۸ آپریل ۲۰۲۲

پسماند عفونی خطرناک تنها در این استان توسط بیمارستانها، مراکز جراحی سرپایی و مطب ها تولید می شود. از ۵۹ بیمارستان در استان، هشت بیمارستان یا فاقد سیستم هستند یا مشکلاتی از نظر غیر سوز (بی خطر سازی زباله) دارند.

در برخی شهرها خودروهای غیراستاندارد پسماندها را از مطب‌ها جمع آوری می‌کنند و مشخص نیست چه اقدامی روی آن انجام می‌شود. دفن پسماندهای طبی در محیط های زیستی مردم بخشی دیگر از سیاستهای جنایتکارانه و ضد بشری جمهوری اسلامی در قبال زندگی و امنیت جانی مردم است. این رژیم محیط زیست را به نابودی کشانده است. آب سالم، هوای سالم را از مردم گرفته است و با لاقیدی و بی مسئولیتی در قبال شرایط زیستی مردم، آسیبهای جدی ای به مردم وارد میکند. پاسخ همه این سیاستها اعتراض سراسری مردمی است. جمهوری اسلامی با کل بساط چپاولگرانه اش باید گورش را گم

چند خبر از خوزستان

۱۹ فروردین ۱۴۰۱



کمیته سازمانده - واحد خوزستان
حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

رهاسازی زباله های عفونی بیمارستانی در جوار مناطق مسکونی

رهاسازی پسماندهای عفونی در منطقه اکباتان اهواز سبب ایجاد نگرانی برای مردم ساکن در این منطقه شده و سلامت و بهداشت ساکنین منطقه را به خطر انداخته است.

برخی ساکنین کوی اکباتان اهواز با انتشار ویدئویی در رسانه های اجتماعی، از تخلیه گسترده پسماندهای بیمارستانی اعم از سرنگ های آلوده استفاده شده و دیگر زباله های عفونی پرده برداشتند.

به دنبال انتشار این موضوع، مقامات بهداشت و درمان استان و شهرداری اهواز، بدون توجه به اصل ماجرا و مخاطراتی که دفع غیر اصولی اینگونه زباله ها می تواند متوجه سلامت مردم شود، از خود رفع تکلیف کرده و یکدیگر متهم می کنند.

سازمان بهداشت و درمان گفته است شهرداری متولی دفع زباله و پسماند است و از آن طرف مقامات شهرداری اهواز هم می گویند شهرداری وظیفه ای در این زمینه ندارد و تولید کننده به صورت مستقیم وظیفه دارد این عملیات را انجام دهد.

رها کردن پسماندها به ویژه پسماندهای عفونی بیمارستانی در خوزستان عملا به یک بحران تبدیل شده و سالهاست مردم را در معرض خطرات مختلف قرار میدهد. در ماههای گذشته نیز تصاویری از رهاسازی اینگونه زباله ها در مناطق مسکونی نظیر قلعه چنجان،

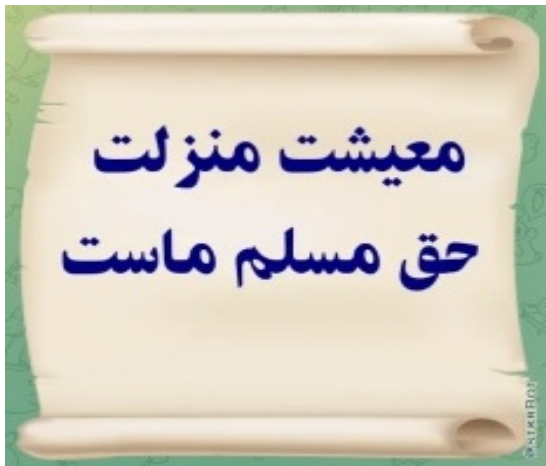
قتل یک شهروند دیگر به دست ماموران نیروی انتظامی

روز پنجشنبه هجدهم فروردین ماه، یک شهروند اهوازی با شلیک مستقیم نیروهای انتظامی کشته شد.

"سمیر زرگانی" در حالی که در خودروی شخصی خود در مسیر جاده اهواز به شبیان در حال رانندگی بوده مورد اصابت مستقیم گلوله ماموران قرار گرفته که منجر به واژگونی خودروی وی می شود. به گفته اهالی منطقه ای که این حادثه در آنجا اتفاق افتاده، ماموران پس از درگیری با مردم معترض به این اقدام از صحنه جنایت گریخته اند.

این دومین تیراندازی مستقیم به شهروندان خوزستانی در یک هفته گذشته است. پیشتر "حسین عساکره" که در میدان کوت شیخ خرمشهر دکه اغذیه فروشی داشت پس از درگیری با ماموران مورد اصابت گلوله قرار گرفت و اکنون در حالت کما قرار دارد و حال وی بسیار وخیم گزارش شده است. مردم عاملین این جنایات را می شناسند و خواستار محاکمه آنها هستند. مسئول این جنایات سران حکومت و نهادهای سرکوب و آدمکش آن نظیر پاسداران و بسیج و دیگر باندهای مسلح هستند. جمهوری اسلامی بخاطر تمامی جنایات و سرکوبگری هایش باید در سطح جهان بایکوت شود و سران این حکومت بخاطر جنایاتشان به محاکمه کشیده شوند.





اقتل بر شمار

بهر روز برزو: نکاتی در رابطه با کارگران شاغل در بخش خدمات

وضعیت اشتغال و معیشتی

در رابطه با وضعیت اشتغال کارگران بخش خدمات اصلی ترین نکته، مربوط به خارج بودن کارگاه های زیر ۱۰ نفر را، از شمولیت قانون کار است. یعنی همان قانون کار ضد کارگری هم شامل این بخش از کارگران نمی شود. و نتیجه آن رها شدن این بخش از کارگران به بی قانونی مطلب و استثمار بی حد و مرز و تعرض و سرکوبی قانونی آنان است. روشن است که قوانین کار در اصل، مجموعه ابزارهای قانونی برای کارفرمایان و دولت است که از طریق آن بخشی از فرایند سرکوب و تضمین کارگران را عملی نمایند. اما همین قوانین کاری خود نتیجهی مبارزات کارگران بوده که به سرمایه داری تحمیل شده است. در ایران به یمن بخدمت گرفتن صنعت مذهب یکی از وحشی ترین سرمایه داری های جهان با ضدکارگر ترین قوانین کاری بر سر کار است. اساس قانون کار جمهوری اسلامی بر گذاشتن تشکلهای دست ساز حکومتی بجای تشکلهای کارگری و بی اختیار کردن هر چه بیشتر کارگر جهت جاری کردن بردگی مطلق در قبال کارگران است. قانون کار جمهوری اسلامی قانون آپارتاید جنسی و تبعیض علیه زن، قانون رسمیت دادن به قوانین فاشیستی در قبال کارگران غیر ایرانی و افغانستانی های شاغل در ایران است. قانون بیحقوقی کامل کارگر و بردگی کار است. در پناه این قانون تمامی دولت ها همیشه در جهت سرکوب دستمزدی کارگران، برنامه و استراتژی های مشترک و هدفمندی را دنبال می کنند. حال خارج کردن بخش بزرگی از کارگران از شمول همین قانون کار، اقدامی در جهت سپردن کار و معیشت این کارگر به بی قانونی مطلق و جاری شدن استثماری بی نهایت است. کارگران کافه و رستوران که موضوع مورد مثال من هستند. بخشی از همین کارگرانند.

به لحاظ سابقه موضوع مقررات زدایی یک تغییر سیاست کلان از جانب

در آستانه ی روز جهانی کارگر قرار داریم، روزی که به بی صدایان و طردشدگان ایران، این امکان را می دهد که فریادهای متحد خود را بر سر طبقه ی حاکمه فرود آورند و به آنان هشدار دهند که همچون همزمان خود در تمامی نقاط جهان، آنان نیز عزمی راسخ برای نابودی مناسبات موجود دارند. طبقه ی کارگر ایران سال هاست که در این مسیر بی بازگشت قدم گذاشته است. پیام کارگران در این روز، تکرار همان مطالبات و شعارهایی است که در طول سال در اعتراضات و اعتصابات خود به اشکال مختلفی مطرح کرده اند. کارگران خواسته ای کمتر از جمع شدن کل این بساط استثمار و انقیاد، که در چارچوب حکومت اسلامی به وحشیانه ترین شکل ممکن اجرایی شده است، ندارند. در آستانه ی این روز باید تلاش کرد این صدا را هر چه منسجم تر و متحدتر و باطنی به مراتب بیشتر، در جامعه تکثیر کرد. در این مسیر توجه به همه ی بخش های طبقه ی کارگر ضرورتی کتمان ناپذیر است. بخش هایی که به دلایل مختلف از جمله فشار مضاعف در فضای کار، عدم دسترسی به بخش های مشکل طبقه کارگر، نبود تشکیلات کارگری، موقتی بودن، خارج بودن از شمول قانون کار و... به میزان زیادی از دایره ی توجه فعالین کارگری و اجتماعی خارج هستند. از جمله ی آنها؛ فروشندگان بنگاه های کوچک، نیروهای خدماتی در بیمارستان ها و مدارس، رانندگان شرکت های حمل و نقل درون شهری، کارگران کافه ها و رستوران ها، رفتگران شهرداری ها و کارگران بخش بازیافت، کارگران شاغل در فروشگاه های زنجیره ای و... روز جهانی کارگر روزیست که باید صدای همه این کارگران شنیده شود.

در این نوشته مختصری به شرایط کاری و معیشتی این بخش از کارگران و مشخصاً کارگران شاغل در بخش های کافه و رستورانها اشاره ای خواهم داشت.

دولت های بعد از دهه هفتاد بوده که بخش قابل توجهی از نیروهای کار را به کارگران غیررسمی تبدیل می کردند. به نحوی که بیش از نیمی از آنان شامل کارگران غیررسمی هستند که جمعیتی در حدود ۱۳ تا ۱۵ میلیون نفر را تشکیل می دهند. البته این جمعیت شامل کارگران فصلی و بی ثبات کاران نمی شود که وضعیتشان از این هم بدتر است.

مساله دستمزد یک بروز آشکار این بی حقوقی و استثمار لگام گسیخته در میان این بخش از کارگران است. نرخ حداقل دستمزد پرداختی در سال ۱۴۰۱ برای کارگر مجرد مبلغی در حدود ۵/۷۰۰/۰۰۰ تومان است، اما مبلغ دریافتی کارگران بخش خدماتی و مخصوصاً کارگران کافه و رستوران در بهترین حالت فقط نیمی از حداقل دستمزد خواهد بود. این درحالی است که همین مبلغ اعلامی توسط دولت با توجه به رقم سبد معیشت خانوار که معادل ۱۱/۵۰۰/۰۰۰ تومان است (بدون در نظر گرفتن این موضوع که این آمارها معمولاً مهندسی شده و دور از واقعیت است) به معنای پرداخت دستمزدی معادل نصف خط فقر می باشد و در این شرایط، وضعیت کارگران خارج از شمول قانون کار بسیار بدتر است. دستمزد در این بخش از اقتصاد ایران به هیچ وجه تابع قوانین موجود و نرخ حداقل دستمزد اعلامی در ابتدای هر سال نیست.

برای مثال در رابطه با موضوع دستمزد، معمولاً به عرف های موجود در آن منطقه یا شهر استناد می شود. طبیعتاً در شهرستان ها و مخصوصاً شهرهای کوچک این به اصطلاح عرف دستمزد در

پایین ترین حد خود قرار دارد. مثلاً دستمزد یک کارگر رستوران در شهرستان های یک استان، به ازا ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار روزانه در رستوران، سفره خانه یا کافه به مبلغی بین ۱/۵۰۰/۰۰۰ تا ۲/۰۰۰/۰۰۰ تومان در ماه می رسد. در مراکز استان ها به این مبالغ نهایتاً ۲۰ تا ۳۰ درصد اضافه می شود. به طور مثال در شهر تهران برای ۸ ساعت کار در روز، ۶ روز کار در هفته، و یا به عبارتی ۲۰۸ ساعت کار در ماه، مبلغی بین ۳/۰۰۰/۰۰۰ تا ۳/۵۰۰/۰۰۰ تومان دستمزد پرداخت می شود. حال اگر این میزان دستمزد را با نرخ رسمی دلار مقایسه کنیم به مبلغی در حدود نیم دلار برای هر ساعت خواهیم رسید و همزمانی این تهاجم با تورم بالای ۴۰ درصد در اقلام ضروری، همه ی مردم کشور را با وضعیتی اسفبار مواجه کرده است. به عبارت دیگر کارگر با دریافت دستمزدی در حدود نیمی از نرخ حداقل دستمزد و البته با دستمزدی کمتر از یک چهارم خط فقر، باید بخشی از هزینه های کارفرما را هم به عهده بگیرد و زندگی اش هر روز بیشتر به تباهی میرود و از سوی دیگر همواره چماق بیکار شدن از کار را بر روی سر دارد.

از سوی دیگر "مزایای قانونی" دیگر مثل الزام به ارائه ی غذای گرم برای یک شیفت کاری هم در بیشتر این بنگاه ها عملی نمی شود. همچنین در آنها موارد دیگری مثل لباس کار، تأمین حداقلی از ایمنی در فضای کار، تعهد به سرویس حمل و نقل، اعطای مرخصی با حقوق، حق مسکن، حق اولاد، بن کارگری،

اقتدار بر شمار...

از صفحه ۱۱

گرامی باد اول ماه مه، روز جهانی کارگر

- اول مه، روز جهانی کارگر را به روز اعتراض سراسری علیه فقر و فلاکت و استثمار و سرمایه‌داری مافیایی حاکم تبدیل کنیم و از هم اکنون به تدارک برپا کردن تجمعات بزرگمان در تمام شهرها برویم.

- بنزهای گرامی‌داشت اول مه را در همه محیط‌های کار و در امکان عمومی نصب کنیم.

- اول مه کار را در همه تعطیل کنیم و با برپایی تجمعات بزرگمان این روز را به جشن همبستگی‌مان تبدیل کنیم و عملاً این روز را تعطیل کنیم.

- اول مه می‌تواند یکی دیگر از روز های اعتراض معلمان در ادامه اعتراضات قدرتمندان و یازدهم‌تنگان در تداوم یکشنبه‌های اعتراضشان باشد و در کنار هم فراخوان دهندگان این روز همبستگی کارگری باشند.

- محلات، پارکها، مترو، میدانی اصلی شهرها، دانشگاهها، می‌تواند از جمله مراکز برگزاری روز جهانی کارگر باشد.

- کناره زاینده رود می‌تواند بستر برگزاری روز جهانی کارگر توسط کشاورزان و مردم اصفهان باشد.

- رانندگان و کامیونداران اعتصابی می‌توانند با نصب بنر بر روی کامیونها و مارش در جاده‌ها اول مه را گرامی بدارند.

- شهرهایی چون سنندج و سقز و مریوان با سنت دیرین برپایی روز جهانی کارگر، در اول مه می‌توانند بدرخشند و خیابان های این شهرها را به محل جشن و تجمع اول مه تبدیل کنند.

- نیشکر هفتتپه و فولاد، هیکو و آذربایجان و معادنی چون سونگون و فرایب، این کانون‌های داغ اعتراضات کارگری می‌توانند پیشتر از برگزاری روز جهانی کارگر باشند.

- کارگران مراکز نفتی بدنبال اعتراضات گسترده‌شان می‌توانند بدرخشند و مقابل پالایشگاه‌ها و دفاتر منطقه ویژه اقتصادی را به محل جشن و تجمع اول مه تبدیل کنند.

در وسعت هر چه بیشتر به استقبال سراسری اول مه برویم

زنده باد اول مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر
کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی تمامی زندانیان سیاسی از جمله خواستهای فراگیر همه بخش های کارگری از جمله کارگران بخش خدمات و بطور مثال کارگر کافه رستورانها و همه مردم است. اول ماه مه روز اعتراض سراسری به همه این مستقات و بی تامينی ها و فریاد رسای این خواستها و اتحاد حداکثري ما کارگران برای داشتن زندگی ای شاد، مرفه و انسانی است. پیش بسوی یک اول مه بزرگ و باشکوه

اعتراض به کل این بساط توحش و بردگی است. لغو کار موقت و پیمانی و کوتاه شدن دست پیمانکاران دزد و چپاولگر، افزایش فوری حقوق ها در سطح داشتن یک زندگی شایسته انسان، برخورداری از بیمه های اجتماعی ای چون درمان و تحصیل رایگان برای همه مردم، پرداخت مقرری ماهانه به همه کارگران بدون درآمد یا کم درآمد و از جمله به کارگران بیکار و قرار گرفتن آنها تحت پوشش بیمه بیکاری مکفی، به رسمیت شناخته شدن حق تشکل، تجمع، اعتراض و تحزب و پایان

اجتماعی هستند. یعنی با میزان گسترده‌ای از نیروهای کار مواجه هستیم که به اشکال مختلف فاقد حداقل حقوق قانونی هستند. بنابراین در رابطه با کارگران شاغل در کافه‌ها و رستوران‌ها که به واسطه‌ی تعداد افراد شاغل در هر بنگاه، شامل کارگاه‌های کمتر از ۱۰ نفر کارکن می‌شوند، موضوع قرارداد کار و بیمه جایی ندارد. حال اگر اتفاقی بیفتد و این حقوق "قانونی" به کارگرانی داده شود بعنوان یک امتیاز یا مزیت کارفرما طرح می‌شود نه بخشی از حق و حقوق کارگر. که البته اینهم به ندرت صورت می‌گیرد.

با این وصف موضوع دستمزد در کنار قرارداد کار و بیمه‌ی تأمین اجتماعی از جمله ممنوع‌ترین موضوعاتی هستند که در برخورد کارگر و کارفرما در میان این بخش از کارگران با آن مواجه هستیم.

بدین ترتیب ما در اینجا با یک تهاجم طبقاتی در عریان‌ترین شکل خود مواجه‌ایم. نظام سیاسی در ایران با در اختیار گذاشتن حجم عظیمی از لشکر بیکاران که در بین آنها فارغ التحصیلان دانشگاهی به وفور مشاهده می‌شود و در پناه قوانین ارتجاعی و دستگاه سرکوب و کل دم و دستگاه قضایی و مذهب در خدمت رساندن این خدمات به سرمایه داران مفتخور قرار دارد.

اول مه، روز جهانی کارگر روز

پرداخت سنوات، پرداخت حق شیفت، پرداخت مابه‌التفاوت دستمزد در روزهای تعطیل، پرداخت مبلغ مرخصی‌های استفاده نشده و... برای کارفرمایان محلی از اعراب ندارد. جریمه‌های غیر انسانی برای کارگران، محاسبه‌ی سلیقه‌ای دستمزد و تأخیر در پرداخت دستمزد ماهیانه از جمله‌ی نیز مزید بر تمامی این مشکلات است. بعلاوه اینکه کارفرما هیچ تعهدی در زمینه‌ی مدت زمان اشتغال به کارگران نمی‌دهد. مثلاً در ایامی که به دلایل مختلفی از میزان درآمدش کاسته می‌شود، این کارگران هستند که باید تاوان آنرا بپردازند. و فوراً با خطر اخراج از کار روبرو میشوند. و اگر اختلافی هم در محیط کار رخ دهد نهایتاً منجر به اخراج کارگر شود، تعویق پرداخت دستمزد ها نیز در قبال آنها به سنت تبدیل شده است. از همین رو اعتراض برای نقد کردن دستمزدهای به غارت رفته یک موضوع دائمی اعتراض این کارگران است و چون شمار این کارگران در سطح جامعه میلیونی است اعتراضات آنها به یک محور مهم اعتراضات در جنبش کارگری تبدیل شده است.

مثال مهم دیگر عدم برخورداری کارگران غیر رسمی از بیمه تأمین اجتماعی است. از جمله طبق گزارشات رسمی ۶۰ درصد کارگران ایران فاقد بیمه تأمین

آغاز تجمعات بازنشستگان در سال جدید

تجمعات بازنشستگان تامين اجتماعي در چندین شهر

روز ۲۱ فروردین بازنشستگان تامين اجتماعي در ادامه یکشنبه های اعتراض خود اولین تجمع اعتراضی خود در سال ۱۴۰۱ را برای پیگیری مطالباتشان برگزار کردند. این تجمعات در تهران مقابل مجلس اسلامی و در شهرهای تبریز، کرمانشاه، رشت، قزوین، کرمان، ایلام، اصفهان، اهواز، اراک، مقابل سازمان

تامين اجتماعي برگزار شد. اعتراض بازنشستگان به ادامه مشکلات معیشتی و بدتر شدن هر روزه وضعیت زندگی و معاششان است. این درحالیست که ۲۰ روز از فروردین ماه گذشته و هنوز میزان افزایش حقوق آنان در سال جدید روشن نشده است.

در این تجمعات بازنشستگان با شعارهای "حقوق ما ریالی، هزینه ها دلاری"، "مدیر بی کفایت، استعفا، استعفا"، "مسئول بی لیاقت خجالت خجالت"، "با این حقوق ناچیز جانها به لب رسیده"، صدای اعتراض خود را به

تامين اجتماعي برگزار شد. اعتراض بازنشستگان به ادامه مشکلات معیشتی و بدتر شدن هر روزه وضعیت زندگی و معاششان است. این درحالیست که ۲۰ روز از فروردین ماه گذشته و هنوز میزان افزایش حقوق آنان در سال جدید روشن نشده است.

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست

در این مدت کشاورزان اصفهان، کامیونداران، بازنشستگان معابر تجمعات گسترده ای داشتند و امروز بازنشستگان تامين اجتماعي تجمعات سراسری خود را برگزار کردند.

اعتراض به فقر و فلاکت و تبعیض ها و نابرابری ها، اعتراض به اختلاس ها و دزدی ها و سرکوبگری های حکومت و دفاع از زندگی و معاش، محور مشترک همه این اعتراضات است. روز جهانی کارگر که نزدیک میشود میتواند روز نماد اتحاد سراسری بازنشستگان و معلمان و بخشهای مختلف کارگران در ایران حول خواستها و اعتراضات سراسری شان باشد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴۰۱ فروردین ۲۱، ۱۰ آپریل ۲۰۲۲

رشد سرسام آور قیمت ها و افت قدرت خرید خود و گسترش فقر و فلاکت در جامعه بلند کردند.

تعیین مزد بر مبنای هزینه های واقعی زندگی و متناسب با هزینه واقعی سبد معیشت خانوار و افزایش آن طبق تورم واقعی، بیمه درمانی کارآمد و رایگان، پرداخت دیون دولت به صندوق بازنشستگی و برگرداندن پولهای به سرقت رفته به این صندوق، پرداخت عیدی برابر دو ماه حقوق و آزادی اسماعیل گرامی و دیگر زندانیان سیاسی از جمله خواستهای اعلام شده بازنشستگان تامين اجتماعي در قطعنامه هایشان است.

بدین ترتیب استارت اعتراضات سراسری در سال ۱۴۰۱ زده شده است و

تجمع اعتراضی بازنشستگان مجازات در چندین شهر و دو خبر دیگر



درآمد اعتراض به سطح پایین دستمزدها و فروردین ۱۴ و وضعیت معیشتی شان از ماه آغاز شده، همچنان ادامه دارد

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ فروردین ۱۴۰۱، ۵ آپریل ۲۰۲۲

پیگیری مطالباتشان تاکید دارند.
فروردین کارگران شهرداری ۱۶ روز - رشت در اعتراض به کسر مزایا و عدم ساماندهی تبدیل وضعیت پرسنل در مقابل ساختمان استانداری گیلان تجمع کردند.
اعتراضات رانندگان کامیون که در -

فروردین بازنشستگان ۱۶ روز مخابرات جهت پیگیری مطالباتشان در چندین شهر از جمله در شهرهای تهران، اصفهان، اردبیل، رشت، سیرجان، سمنان این و کرمانشاه دست به تجمع زدند تجمع در تهران در مقابل ساختمان سردار در این تجمعات جنگل برگزار شد بازنشسته "بازنشستگان با شعارهایی چون مخابرات"، "پذیردمرد ذلت نمی می صدای"، "درآمدش عالیه سفره ما خالیه اعتراضشان را به وضع بد معیشتی خود و بازنشستگان فقر و بی تاملینی بلند کردند

۱۵ فروردین: تجمع اعتراضی کشاورزان شرق و غرب اصفهان

کشاورزان خواستار محاکمه استاندار، دادستان و خشک کنندگان زاینده رود شدند



هستند و در اعتراض به خلف وعده ها امروز دادخواهند. از خواستها و مبارزات کشاورزان اصفهان باید وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ فروردین ۱۴۰۱، ۴ آپریل ۲۰۲۲

زندگی و معیشت خود و تاثیرات مخرب زیست محیطی آن دست به اعتراض زدند. تحصن یکماهه آنها در سال گذشته یک نقطه درخشان از اعتراضات مردمی در اصفهان علیه کل حکومت بود که تمام شهر را به حرکت در آورد و به اعتراضات مشابهی در دیگر استانها و در همبستگی با کشاورزان و مردم معترض اصفهان منجر شد. در برابر این خیزش مردمی جمهوری اسلامی با سرکوب و دادن وعده و وعید، تلاش کرد اعتراضات مردمی را عقب براند. اما کشاورزان و مردم معترض اصفهان فعالانه پیگیر خواستهایشان

دستگاه امنیتی پشت پرده حامی آنها و بساط دزد بازار پشت پرده زندگی و کشت آنها را به نابودی کشانده است. به گفته آنها در حالیکه آب را به زاینده رود جاری کرده اند، اما حقایق ای که به کشاورزان داده میشود ناکافی است و کشت آنها آسیب جدی دیده هاست. خواست فوری آنها به رسمیت شناخته شدن فوری حقایق و رفع مشکلات معیشتی شان است. صدها هزار کشاورز در آبانماه گذشته همراه خانواده ها و بخشهای دیگر مردم در بستر زاینده رود در اصفهان در اعتراض به خشک شدن این رود و نابودی کشت و

روز پانزده فروردین کشاورزان اصفهان در شرق و غرب اصفهان در ادامه اعتراضاتشان به بساط چپاولگری مافیای آب و تداوم مشکلات معیشتی شان، مقابل ساختمان دادگستری تجمع کردند. در این تجمع کشاورزان بر محاکمه مسئولین خشکاندن زاینده رود که به زندگی و معیشت آنها و کل شهر اصفهان آسیب رسانده، تاکید داشتند. این کشاورزان در همین رابطه در ششم فروردین نیز در مقابل جهاد کشاورزی در خیابان منوچهری تجمع داشتند. کشاورزان میگویند که مافیای آب و



سراسری است. حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت قاطع از خواستها و مبارزات رانندگان کامیون بر اتکاء به این دستاوردهای مبارزات تاکید دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ فروردین ۱۴۰۱، ۴ آپریل ۲۰۲۲
آخرین خبر: اعتصاب ۳۱ استان را گرفته است

درمانی رایگان، برخورداری از حق بازنشستگی و قطع دست دلان کاری هستند.

رانندگان کامیون در سال ۱۳۹۷ در بیش از صد شهر دست به اعتصابی قدرتمند زدند و اعتصاب آنها انعکاس وسیعی در سطح جامعه داشت. تجربیات اعتصاب سال ۹۷، تجربیات اعتصاب سراسری معلمان در یکساله اخیر و تجربه شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت بعنوان ابزاری برای متحد نگاهداشتن صف اعتراض، نمونه ها و نقطه اتکاهای خوبی برای تقویت و گسترش قدرتمند اعتصاب رانندگان کامیون در سطح

اعتصاب رانندگان کامیون در چند شهر

در همدان نیز به اعتصاب پیوستند. سطح پایین دستمزدها و دریافتی ها، افزایش سرسام آور قیمت کالاها و پایین آمدن هر روز بیشتر قدرت خرید، نبود امکانات رفاهی و آسایشی بین راهی، هزینه های سرسام آور نگهداری کامیون، رانت خواری ها و دزدیهای دلان کاری، محرومیت از بیمه درمانی کارآمد و جاده های نا امن از جمله موضوعات اعتراض رانندگان است. این رانندگان خواستار افزایش دستمزدهایشان متناسب با رشد واقعی تورم و افزایش قیمت ها، بیمه

رانندگان کامیون و فروردین ۱۵ روز روز ۱۵ فروردین رانندگان کامیون و خودروهای سنگین ناوگان حمل و نقل جاده ای و باربری کشور بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده در چند استان دست از کار کشیده و پیگیر مطالباتشان شدند. بنا بر گزارشات این اعتراضات از روز ۱۴ فروردین آغاز شد و رانندگان کامیون در شهرهایی چون کرمانشاه، تهران، کرمان، پل دختر و در استان آذربایجان وارد اعتصاب شدند. در روز پانزدهم این اعتراضات ادامه داشت و رانندگان کامیون



نیست، گفته است که منتظر دستور پرداخت از تهران هستند و اگر موافقت شود مبلغی به عنوان عیدی به کارگران پرداخت خواهد شد. کارگران نیز به این وعده و وعید دادن ها اعتراض دارند و اعلام کرده اند که اگر طلبهایشان پرداخت نشود در سطح کل مجتمع تجمع و خلف وعده ها، تعویق پرداخت

دستمزدها از سوی برخی از پیمانکاران و عدم پاسخگویی به خواستهای اعلام شده کارگران از جمله موضوعات اعتراض کارگران پتروشیمی ایلام و دیگر مراکز نفتی است و فضای اعتراضی در میان این کارگران بالاست.

کمونیست کارگری ایران حزب
۱۶ فروردین ۱۴۰۱، ۶ آپریل ۲۰۲۲

دومین تجمع اعتراضی کارگران پتروشیمی ایلام

روز ۱۷ فروردین کارگران پتروشیمی چوار استان ایلام، در اعتراض به عدم پرداخت عیدی و پاداش سال ۱۴۰۰ خود برای بار دوم دست به تجمع زدند. تجمع قبلی آنها روز ۱۴ فروردین برگزار شد. این کارگران بصورت روزمزد در یک شرکت پیمانکاری در مجتمع پتروشیمی ایلام به کار اشتغال دارند و این شرکت تاکنون از پرداخت عیدی و پاداش آنها خودداری کرده است. بنا بر خبرها در این مجتمع عیدی و مزایای و پاداش دیگر کارگران پیمانی نیز پرداخت نشده است. بدین ترتیب فضای اعتراض در این مجتمع بالا گرفته و کارگران در تدارک اعتراض یک

پارچه برای نقد کردن طلبهایشان هستند. همانطور که قبلاً نیز گزارش کردیم در برخی از مراکز نفتی پیمانکاران اعلام کردند که فقط تا پایان ماه ۹ تسویه حساب خواهند کرد و پرداخت باقی طلبهای آنها و عیدی و پاداش کارگران را به سال ۱۴۰۱ موکول کردند. بخاطر اولتیماتوم کارگران به اعتصاب گسترده بخشی از این طلبها پرداخت شده و بعضاً پیمانکاران با وعده و وعید سعی کردند اوضاع را آرام کنند. در پتروشیمی ایلام مدیریت شرکت کارگران را سر دوانده و تحت عنوان اینکه شرکت پیمانکاری مادر، حاضر به پرداخت عیدی کارگران

حمایت های بین المللی از مبارزات و خواستهای معلمان

در پاسخ به نامه فری دم ناو (کمپین برای آزادی کارگران زندانی) و بدنبال تماس تهمینه صادقی عضو این کمپین در بریتیش کلمبیا سارا بیورکناس رئیس شورای منطقه ای اتحادیه CUP مترو در ونکوور کانادا از طرف این شورا طی نامه ای حمایت خود را از کمپین فری دم ناو در دفاع از خواستها و مبارزات معلمان و در حمایت از معلمان زندانی اعلام داشت. متن نامه سارا بیورکناس را در زیر میخوانید:

"با درود، مایلیم حمایت خود را از معلمان ایران اعلام کنیم. ما از اعتصاب آنها حمایت می کنیم و به درخواست ها برای آزادی زندانیان و برآورده شدن مطالبات برای عدالت سیاسی و اقتصادی می پیوندم. لطفاً نام ما را به کمپین اضافه کنید.

در همبستگی،
سارا بیورکناس
رئیس شورای منطقه CUPE مترو
ونکوور." (متن ارژینال این پیام در سایت

عبارتند از:
فیلیپ مارتین، دبیر مرکزی اتحادیه خدمات عمومی سوئیس (SSP)، استفان سیچووسکی دبیر کل شورای اتحادیه های کارگری بریتیش کلمبیا (VDLC)، استفانی اسمیت دبیر کل اتحادیه کارمندان عمومی، B.C.، تری مورینگ، رئیس فدراسیون معلمان بریتیش کلمبیا)



FREE THEM NOW
CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

کارگران در بند، معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فرادوبون قید و شرط آزاد شوند
پرونده های امنیتی برای کارگران، معلمان و همه زندانیان سیاسی باید مسدود گردد و احکام صادر ننموند اعلام

FREE ALL JAILED TEACHERS IN IRAN
ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO

حامی معلمان زندانی در سطح جهان باشد. فری دم ناو همچنین بر اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار و بایکوت جهانی جمهوری اسلامی بخاطر همه سرکوبگری هایش تاکید دارد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
Shahla.daneshfar2@gmail.com
۱۶ فروردین ۱۴۰۱، ۵ آپریل ۲۰۲۲

مارتین، دبیر مرکزی اتحادیه خدمات عمومی سوئیس (SSP)، جوزف داهر، استاد مؤسسه دانشگاهی اروپا در سوئیس و سعید نعمان دبیر کل فدراسیون اتحادیه های کارگران در عراق، این نامه را امضا کرده اند و امضاها ادامه دارد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
تلاش میکند صدای اعتراض معلمان و

کارگران در دعوائی دست اندرکاران حکومتی بر سر "افزایش" دستمزدها دست نخواهند کرد!



سرمایه‌دار "حکم یک ریسک" را دارد... و اینکه عملکرد اتحادیه‌های کارگری به عنوان "یکی از عوامل تعیین کننده در تنظیم میزان دستمزد مورد قبول واقع میشود".

کارگران در دعوائی دست اندرکاران حکومتی‌ها شریک نخواهند شد! کارگران مشاورین اقتصادی برای مهار تورم نخواهند شد! آنها هر روز بیشتر از روز قبل می‌آموزند که تنها با اتحاد و همبستگی تبلور یافته در تشکلات مستقل کارگری و سازماندهی مبارزات آنهاست که آنان را قادر خواهد نمود که به مقابله با تورم، بیکاری و دیگر مصائب ناشی از این نظام غیر انسانی بروند و اصلاحاتی، هر چند موقتی، را به نظام سرمایه‌داری تحمیل کنند.

هیئت تحریریه رسانه‌های اتحادیه آزاد کارگران ایران برگرفته از مدیای اجتماعی

مسفر است تنها اتحاد و همبستگی کارگران متبلو شده در تشکلات مستقل کارگری است که میتواند کارفرمایان و دولتهای حامی آنها را وادار به عقب نشینی، هر چند موقتی، جهت بهبود شرایط کاری کارگران نماید. او در جزوه معروف "اتحادیه‌های کارگری" میگوید "کارگران غیرمتشکل" در مقابل فشارهای کارفرمایان هیچ وسیله موثری در اختیار ندارند و بهمین جهت دستمزد بیشتر و بیشتر به میزان "حداقل مطلق خود" - یعنی به مبلغی که به مقدار کمتر از آن، امکان حیات و تولید نسل برای کارگر وجود ندارد نزدیکتر میشود. تو گویی او این جزوه را برای کارگران ایران و در شرایط کنونی نوشته است! او در ادامه میگوید اما وقتی "اتحادیه‌های کارگری" وارد "صحنه" میشوند دیگر "داستان تغییر" میکند... و پایین آوردن دستمزد و یا طولانی کردن مدت کار، دیگر برای

دهند که افزایش دستمزد کمترین تاثیر بر افزایش تورم داشته و بنابراین "طرح این گزاره که نباید دستمزد افزایش یابد، یک قلب واقعیت تاریخی است" (منبع: آیا افزایش حقوق کارگران به افزایش تورم منجر می‌شود/روایت جعل یک واقعیت رویداد ۲۴، تاریخ انتشار ۲۸ اسفند ۱۴۰۰).

به آن دسته از نمایندگان کارفرمایان و کارشناسان اقتصادی که میزان ناچیز "افزایش" مزد کارگران را باعث افزایش تورم میدانند باید گفت عالیجنابان آدرس عوضی میدهید! بروید مشکل افزایش تورم را در جاهای دیگری همچون بدهی دولت و بخش خصوصی به بانک مرکزی، خلق پول توسط بانک‌های تجاری و اختلاس‌های کلان و در یک کلام در سیستم اقتصادی جستجو کنید که بر مبنای دزدی و چپاول بنا شده است. اما به گروه دیگری که به کاپیتال مارکس مراجعه میکنند تا نشان دهند که تورم احتمالی ناشی از افزایش مزد کارگران اندک و "قابل مهار" است باید گفت که مارکس یک مشاور اقتصادی در نظام سرمایه‌داری برای ارایه راه‌حلی برای مقابله با تورم نبود. او تمام عمر خود را مصروف شناخت نظام سرمایه‌داری نمود تا به کارگران نشان دهد که ریشه مصائب و بدبختی کارگران در استثمار شدن نیروی کار آنهاست و اینکه تنها لغو کار مزدی است که میتواند دنیایی به‌دور از هرگونه استثمار و تبعیض و بی‌عدالتی را به ارمغان بیاورد. اما، تا زمانی که این نظام

۱۹ فروردین، ۱۴۰۱ به محض اعلام خبر تصویب حداقل مزد کارگران برای سال ۱۴۰۱ از طرف وزیر کار، عده‌ای از نمایندگان کارفرمایان و کارشناسان اقتصادی به مخالفت با آن پرداختند. از جمله این مخالفین حسین سلاح‌ورزی نایب رئیس اتاق بازرگانی ایران است که معتقد است افزایش ۵۷ درصدی مزد اثری بر رفاه و قدرت خرید طبقه کارگر نخواهد داشت و اینکه این تصمیم "غیرمسئولانه و فاقد آینده‌نگری" است. موسسه خیریه اصفهانی به سردمداری مدیرعامل آن یکی دیگر از این مخالفین است. این آقای مدیرعامل که خواهان "دستمزد توافقی" در مقابل دستمزد سراسری است ادعا میکند که "قانون کار فعلی را به تحریک توده‌ای‌ها در سال ۶۸ تصویب کرده‌اند" و اینکه قانون تعیین دستمزد ماده ۴۱ قانون کار، "خلاف شرع و خلاف قواعد بین‌المللی است" و اعضای شورایی عالی کار را بخاطر افزایش ۵۷ درصدی حداقل حقوق کارگران "از نظر شرعی خانن و گناهکار" میدانند.

از طرف دیگر کارفرمایان و کارشناسانی مثل آقای محمدحسین برخوردار، مدیرعامل اسبق شرکت ملی دخانیات، معتقد اند که افزایش مزد حقیقی کارگران که جمعیت بالای کشور را تشکیل میدهند قطعاً اثر مثبت بر تقاضای کالاها دارد و می‌تواند "طلسم رکود موجود" در بازارهای داخلی را بشکند. طرفداران افزایش دستمزد حتی به کاپیتال مارکس جلد دوم مراجعه میکنند تا نشان

ویژه برنامه حزب کمونیست کارگری ایران
بمناسبت ۱ مه روز جهانی کارگر

1 May
International Workers Day

کارگران جهان متحد شوید!

یکشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۱ - ۱ مه ۲۰۲۲
۱:۳۰ بعدازظهر ایران - ۱۱ صبح اروپای مرکزی

در تلویزیون کانال جدید

KANAL JADID
www.kanaljadid.com

بخش مستقیم در بوتل ست و یا هست
اینستاگرام، توئیتر، تلگرام، فیسبوک، یوتیوب

ماهوره پوتلست فرکانس، ۱۱۳۸۷
پولاریزاسیون، عمودی سیبل ریت، ۲۷۵۰۰
اف ای سی، ۵/۶

ماهوره پاه ست فرکانس، ۱۱۷۶۶
پولاریزاسیون، عمودی سیبل ریت، ۲۷۵۰۰
اف ای سی، ۷/۸

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین
پخش زنده
newchannel.tv/live/tv

فرکانس های
تلویزیون کانال جدید
در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com



بیانیه بمناسبت فرارسیدن اول ماه مه، روز جهانی کارگر

اول ماه مه روز جهانی کارگر از راه می رسد. روزی که نماد مبارزه ما کارگران برای یک زندگی بهتر و انسانی است.

این روز متعلق به همه ما زنان و مردان کارگر و فرصتی برای پیوند و همبستگی از یک طرف و سر دادن فریاد اعتراض به نابرابری ها و بی عدالتی های موجود از طرف دیگر است.

دولت و حکومت با همه جناح ها و دسته جات غارتگرش بیش از پیش به طبقه کارگر و مزد بگیران هجوم آورده و کمر به نابودی ما بسته است.

سیستم موجود در اشکال گوناگون از جمله تعیین دستمزد ناچیز و فلاکت آوری که با تورم واقعی فاصله نجومی دارد، بودجه ای انبساطی برای اقلیت حاکم و انقباضی برای عامه مردم، نا امنی شغلی و قراردادهای موقت، بیکار سازی و اخراج های گسترده و ... مصیبت های فراوانی را بر سرمان آوار کرده است؛ در حالی که خود و اعوان و انصارشان از همه ثروت های عمومی برخوردارند و از حاصل رنج و زحمت و مشقت ما هر روز سهم بیشتری می برند.

در سالی که گذشت دومین اعتصاب گسترده و بلند مدت ما کارگران پروژه ای و پیمانی رقم خورد. نتایج این اعتصاب در بخش هایی رضایت بخش بود و در بخش های دیگری همچنان در بر پاشنه قبلی می چرخد و وعده های داده شده عملی نشد.

به دلیل پراکندگی جغرافیایی و به این دلیل که با یک کارفرمای واحد مواجه نبودیم و در مقابلمان صدها پیمانکار و کارفرما وجود داشت، شاید کمتر کسی تصور میکرد که اعتصاب سراسری ما ممکن و میسر شود اما با تجارب ارزنده ای که از اعتصاب قبلی کسب کردیم قادر شدیم در سطوح قابل قبولی خودمان را سازماندهی کنیم و هزاران کارگر علیرغم کارشکنی ها و تهدیدات کارفرماها با هم متحد شدیم. این رویداد یکی از بارزترین و درخشان ترین نقاط جنبش کارگری بود.

خواسته ها و مطالبات ما همچنان به قوت خود باقی است و بزودی خود را آماده رویارویی دیگری خواهیم ساخت.

اکنون تورم فزاینده و لجام گسیخته و دستمزدهای ناکافی که ماه ها برای دریافت آن باید بجنگیم، زندگی و بقای ما را در موقعیت وخیم تری قرار داده است، ما می دانیم سالی که در آن هستیم و با ادامه روند فعلی، لحظه به لحظه بیشتر به ورطه نابودی سقوط خواهیم نمود.

آنچه امروز بر ما میگردد مرگ تدریجی و تحمیلی است و میلیون ها نفر از اکثریت مردم تهیدست و مزد بگیر در سراسری سقوط به عمق دره فقر مطلق سوق داده میشوند که باید کاری کرد.

ما کارگران و ما همه مردم دردهای مشترکی داریم، مطالبات ما کارگران جدای از مطالبات مردم و سایر بخش ها نیست بنابراین ضرورت دارد برای رهایی از این شرایط، مبارزات ما در همه بخش ها منسجم و متحد بهم گره بخورد.

زمینه های آن فراهم است و این همگرایی را در اعتراضات هر روزه ما کارگران با معلمان، با بازنشستگان و با بخش های مختلف جامعه می بینیم. دفاع از زندگی و معیشت و داشتن کرامت انسانی حلقه پیوند همه ما کارگران و ما مردم به یکدیگر است.

آن که خواستش لغو کار کودک است و دغدغه اش زندگی ای شاد و انسانی برای همه کودکان، درد و حرف ما را فریاد میزند.

آن که آموزش رایگان را خواهان است، آن که از حقوق زن دفاع می کند، فریاد اعتراض مرا هم بر زبان دارد. ستم و تبعیض علیه زن، درد من کارگر هم هست، ما کارگران هم از کودک همسری و از دیدن قتل های ناموسی قلبمان به درد آمده است.

ما همگی همدرد و هم سخن هستیم پس می توانیم و باید کنار هم باشیم. هر اندازه که بتوانیم این پیوندها را مستحکم کنیم و سازمان یافته تر عمل نماییم، چشم اندازهای پیش رو برجسته تر خواهد بود.

از سوی دیگر، ما کارگران پروژه ای و پیمانی این روز همبستگی جهانی کارگری را باید متحدتر از هر زمان دیگری کنار هم

قرار بگیریم و برای استقبال از چنین روزی تدارک تجمعات مان را مقابل مراکز کاری، پالایشگاهها، پتروشیمی ها، نیروگاهها و مناطق ویژه ببینیم.

یکصدا خواسته هایمان را اعلام کنیم و اولتیماتوم دهیم که همچنان پیگیر مطالباتمان هستیم.

ما همچنان خواستار کوتاه شدن دست پیمانکاران چپاولگر و لغو قوانین برده وار مناطق آزاد و ویژه اقتصادی هستیم.

خواستار افزایش دستمزدها و رسیدن سطح آن در حد یک زندگی شایسته انسان هستیم.

خواستار بهبود قابل قبول محیط های کاری و زیستی مان در نفت و پتروشیمی، داشتن ایمنی محیط کار و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و حق داشتن شکل ، تجمع و اعتراض هستیم.

با صدای بلند اعلام کنیم که ما باز هم می آییم.

این روز می تواند مناسبتی باشد برای تاکید بر خواسته های سراسری کارگران و فرصتی برای مطالبات پاسخ نگرفته مان. از همه کارگران و مزد بگیران دعوت می کنیم بیانیه ها و قطعنامه های خود را تدارک ببینند.

بباید در کنار هم قطعنامه سراسری اول ماه مه داشته باشیم و درد مشترک مان را فریاد کنیم.

برای پایان دادن به این بربریت اتحاد سراسری مان را به نمایش بگذاریم و بدین گونه روز جهانی کارگر را به روز اعتراض خود علیه وضعیت نابسامان معیشتی و زیستی مان تبدیل کنیم.

" معیشت، منزلت، حق مسلم ماست " مه ۱۴۰۱

تجمع کارگران کیان تابر در اعتراض به تعطیلی شرکت

.حضور پررنگی داشتند

نامه داده شده بود بنا بر خبر قبلا به کارگران فروردین ۲۰ که فعالیت شرکت از روز ای بیستم نامه اما بعد در روز ۱۰ آغاز میشود از طرف مدیر منابع انسانی شرکت به شده بود کارگران داده شد که در آن اعلام که کارخانه تا اطلاع ثانوی تعطیل میشود با در اعتراض به این تعطیلی کارگران خواست بازگشایی فوری شرکت و تعیین فروردین مقابل دفتر ۲۱ تکلیف آن در روز رئیس جمهوری تجمع کردند.

حزب کمونیست کارگری

۲۱ فروردین ۱۴۰۱ - ۱۰ آپریل ۲۰۲۲

روز یکشنبه ۲۱ فروردین کارگران کیان تابر در اعتراض به اعلام تعطیلی شرکت و خطر افتادن از دست دادن شغل و به معیشتشان، مقابل دفتر ریاست جمهوری اسلامی واقع در خیابان پاسنور تهران سالهاست که بحث بر سر .تجمع کردند تعطیلی این کارخانه است و کارگران با اعتراضاتشان علیه چپاولگری های پشت این ماجرا مقابل این توطئه ایستاده اند و نداده اند این اتفاق صورت گیرد اجازه بدین ترتیب کیان تابر یکی دیگر از کانون اعتراضات کارگری است که های داغ .مبارزاتشان انعکاس بسیاری داشته است روز نیروهای انتظامی از همین رو در این